

§ زلزله (کالیوریا) خساره زیادی وارد آورده، مقام  
 «فرازانو» بکلی خراب شده، و (۲۰۰) نفر هلاک  
 شده اند، حکومت اقدامات لازمه با عجلت تمام مینماید  
 § بموجب خبر بعد که از (فرازانو) رسیده ظاهراً  
 «۳۰۰» نفر دیگر از صدمه زلزله بهلاکت رسیده، و در  
 اطراف و اکناف بقدر (۵۰۰) نفر هلاک و (۵۰۰۰)  
 نفر مجروح شده اند

( ۱۸ رمضان - ۲۶ اکتوبر )

§ بسبب طغیان آب و بربادی اطراف جنوب  
 فرانس دولت فرانسه شش میلیون فرانک وجه اعطای  
 برای فقرا منظور نموده است

§ در فرانسه مباحثه زیاد در مسئله دفاع ملی شده،  
 ضمناً اظهار داشته اند که هنوز قدر لزوم قوه دفاعیه  
 موجود نیست، و این بحث را رساله ساخنه منتشر نموده اند  
 § (میووی کوارت) در شورای فرانسه به جواب  
 سئوالی اظهار داشته که دولت فرانسه هیچوجه کمتر  
 از دولت آلمان در قوای توپخانه و قشون سواره  
 تمهید باشد، بلکه سرباز فرانسه مراتب بر سرباز آلمان  
 فوقیت دارد

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس تعیین نقشه  
 انواع ملکی و احضار نمودن (لارد لفتنت) ها در  
 یکنگهم و وظائف و ذمه داریهای آنها را توضیح  
 و باآمان حالی فرموده، و نیز اظهار داشته که  
 لارد لفتنت) ها را لازم است که از نقشه مذکور  
 پیروی نمایند، و من اطمینان کامل دارم که مساعی و  
 مجاهدات شما در اجرای دستور العمل من مفید  
 واقع شود

( ۱۹ رمضان - ۲۷ اکتوبر )

§ (مستر لون براند) گوشش دارد که قوه برقیه و  
 گیاس را برای راه آهن نجره نموده بکار اندازد و  
 هرکدام با صرفه تر و بیشتر مفید واقع شود اختیار نماید  
 § تلگرافی از پاریس رسیده که وزیر جنگ محری  
 تصفیه نموده که تجهیزات جنگی را در آتیه باید  
 قوی تر از تجهیزات امروزی ساخت

§ (مستر روزپولت) رئیس جمهوری امریکا اعلان  
 داده که دسته تجهیزات جنگی بسمت بحر (پسفیک)  
 ۲۳ دسمبر رهسپار خواهد شد

§ (مسترون) بعد از گفتگوی زیاد با سفیر  
 ژاپن اظهار داشته که مسئله برخلاف اتحاد دولتی  
 امریکا و ژاپن پیش نیامده بود که در فرستادن  
 جہازات تأخیر شده باشد

§ از (لسبن) خبر رسیده که حکومت خیال کشیدن  
 راه آهن از (مکاو) الی (کنستان) را دارد  
 ( ۲۰ رمضان - ۲۸ اکتوبر )

§ (لاردرگرامر) را در عمارت (گیلد) خطاب  
 (فریدم آف دی سیتی آف لندن) عطا شده، مجامیان  
 صدا را به تبریک مانند سردید، بعد از ادای تشکر  
 لارد موصوف اظهار داشت که من مسرووم از اینکه  
 از چند سال این طرف امور منتهی به بانک جنوبی  
 انجام پذیرفته، و یقین کامل دردم که (سر لندن گورست)  
 در مأموریت خود کامیاب خواهد شد، در صورتیکه  
 همراهی و پیروی به نوشتجات حرمت بوسان نه نماید،  
 لارد موصوف از صمیم قلب تشکر از اقدامات  
 (سر ادوردگری) و روح سرجه در معاهده دولتی  
 انگلیس و روس نموده، هم داشته که تعقیب من این  
 معاهده بسیار ناموقع شده، گرچه دولت روس در  
 خصوص مافع بلتیکی در این معاهده قسم حسته است،  
 این سهو بزرگی است که ملت مصر و هواخواهان  
 وطن شان سختی رفتار شود این امر نسبت به آنان  
 نمیباشد که مستحق حکومت بود بخار بستند و توسیع  
 آزادی را طالبند (ممسود هدیار می باشد)

( ۲۱ رمضان - ۲۹ اکتوبر )

§ روزنامه (نیوریمیا) ی روس در ضمن یکی از  
 مقالات خود می نویسد که راه آهن آهند باید ساخته  
 شود تا مکمل باید معاهده روس و انگلیس را درباره  
 ایران و پیشرفت کند مقدس آنها

§ جرارد انگلیسی تقریر (لاردرگرامر) را پسندیده  
 و خیالات او را که با خیالات (مستر مارلی) وزیر  
 هند مطابق است تمجید نموده و اظهار خوشنودی  
 مینماید از اینکه خیالات هر دو درباره هند و مصر  
 متحد است

§ قطار راه آهن که پادشاه و ملکه اسپین و شاهزاده  
 رضیع در او سوار بود و از خط پاریس بسوی انگلند  
 می شتافت با قطار راه آهن نزدیک (جبررک) معادم

آمده ولی صدمه بوجود شان نرسیده. ولی لطفه سختی بقطار راه آهن رسیده است

پادشاه و ملکه اسپانیا در (پورت سمون) سوار کشتی (رینون) شده وارد شهر گردیدند. صدای اهالی به تبریک ورود در شوارع بانگ بود. (دیوک و دجز آف کنات) و (برس هنری) و اقباب اعیان و اشراف که قبل از وقت باستقبال شتافته بودند پادشاه و ملکه اسپانیا را بذراتی و تبریک گفته در کهنکستن وارد نمودند (۲۲ رمضان - ۳۰ اکتوبر)

§ در (اندبرگ) از گرفتاری (ایلنگ) مجتربیت که از عهده خود استعفا داده هبجانی بزرگ روی داده. (ایلنگ) مبالغ هنگفتی از بانک باسم (جان مارلی) که قرابت دار اوست در آورده بود، کفالت وی نا منظور شد

§ اعلیحضرت امپراطور (آستریا) بعد از افتادن به بستر بیماری امروز اول باراست که قدری مشی نموده § (لارد مانر) در ضیافت (گافورد) بطقی در خصوص ترغیب بجماعت (یونانیست) که باید اتفاق نموده تدبیری اختیار کرد که مانع از پیشرفت ترقیست فرقه (سوشالست) شود داده است

§ (مسترالدین) در ضمن بطق خود در (یوگاسل) لروم مدافعه ملت را موضوع بحث قرار داده تشریحات کافراس (هیک) را در این باب توضیح نموده و پیروی در آن را لازم شمرده است. و تشریح نموده که چون عامه مات درست به کنه مطلب نرسیده خوب است حکومت شورای ملی را در این باب امر نماید که موافقت با خواهشات ملی بنماید

§ (مستر اسکویت) تنها در اصلاح دستور العمل لاردها بحث نمود

(۲۳ رمضان - ۳۱ اکتوبر)

§ بموجب خبری که از (ولادیودستک) رسیده یکی از جهازات روس (اسکوری) علم بغاوت بر افراشته بر شهر شایک نوب نموده. جهازات طرفدار دولت حوایب شایک او را داده. در انضمام سرکرده باغیان مقتول و چهار (اسکوری) را گرفتار و بساحل آوردند. که باغیان خیال عرق نمودن آنرا داشتند. اهل جهاز همگی گرفتار شدند. بعض از ماشین های (اسکوری) خراب و بیکار گشته. بعضی ها که خیال

سرکشی و بغاوت را دو کنار داشتند. دو سه نفر از آنها را هدف گلوله تفنگ ساخته بمنیت قائم گردید § بموجب خبریکه از (تاشقند) در (پترزبرگ) رسیده. بعد از زلزله (۲۱) اکتوبر کوهی در (کراماتش) از مضافات (بخارا) متلاشی شده آنجا را نیست و نابود و (۱۵۰۰۰) را هلاک نمود

§ از (بریتوریا) خبری رسیده که یک سرهاز از فوج (بارک شایر) و یک انجینیر و یک از اهل دفتر مجرم تخریب مجسمه (کروگر) گرفتار و ضمانت (۵۰۰) لیرا از هر یک آنها منظور گردید

انا لله وانا اليه راجعون

از ضایعات بزرگ اسلام رحلت مرحوم نواب مهدی علی خان محسن الملک منتظم اعزازی مدرسه العلوم علیگده میباشد. که بدون شبیه اضرای امروزه در جمیع مسلمانان هندوستان تالی براسی و تصور نمی شد. محرری بی نظیر و مفری بی عدیل بود. بلا اختلاف تمام مسلمان ریاست او را تسلیم داشتند. به عامه مسلمانان هند خدمات پایان نموده. مدرسه العلوم علیگده در ایام ریاست ایشان منهای ترقی را کرد. نزد ملت و دولت خوشنام بود. در حسن اخلاق تالیس را نگارنده تاکنون ندیده. هم صاحب تجربه بوده هم استقلال مزاج داشت. قرب هشتادسال با کمال عزت زندگانی نمود. و در حالیکه عالم عالم نام نیک از حدود بیادگار گذاشته این جهان فانی را وداع گفت. و حه اقه علیه رحمة واسعة.

قدر این مرد بزرگ در آینده معلوم خواهد شد. واقع امروز در جمیع مسلمانان هند برای (آزادبری سکرنزی) مدرسه العلوم بموزون آن مرحوم کسی به نظر نمیرسد و ما خیلی متوحشم که از فقدان این مرد بزرگ مدارالعلوم اسلامی علیگده نقصان مبنوی وارد نیاید. بر ذمه دوستی ماست که شرح زندگانی آن مرحوم را بموقع خود برای سرمشق سایر مسلمانان انتشار دهیم. اندازه تأسف خود مان را از فقدان این دوست عزیز با این قلم شکسته نمیتوانم بیان نمود. فقط بفرمایش مولی الموالی علیه السلام اکتفا نموده میگویم

(بقولون ان الموت صعب علی الفنا)  
(مفارقت الاحباب باقه اصعب)

جبل التین کلکتہ

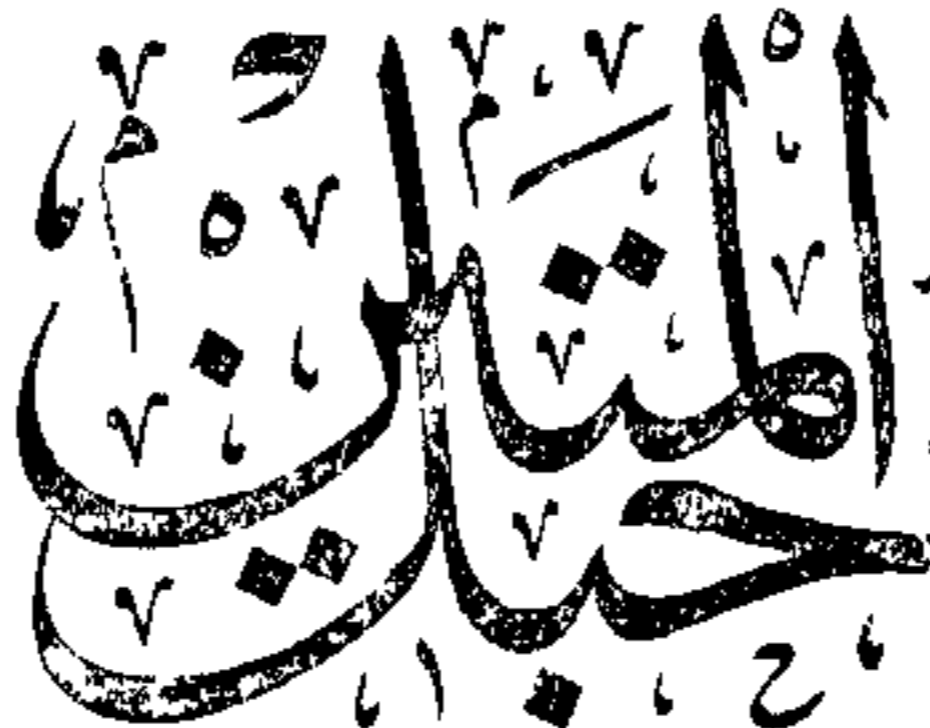
مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hablu Matin Office,  
4, Medical College St.,  
CALCUTTA.

و کلا ذمه دار ابونجات مشرکین اند  
( بدل ابونہ اخبار بشکی گرفته میشود )

قیمت اشتراک  
سالانه --- شش ماهه

نامه مقدسه



سنة ۱۳۱۱

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری

مصادف با

۱۱ نومبر ۱۹۰۷ میلادی

۱۲ روپه --- ۷ روپه

ایران و افغانستان

۲۰ قران --- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ عیدی --- ۳ عیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک --- ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات --- ۶ منات

( مراسلاتیکه بدون امضای معروف اداره )

( باشد درج نخواهند شد )

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

سپاه آلمان

قابل تقلید ایرانی

مدارس جنگ

در مملکت روس ده مدرسه جنگ و در باور  
نهایی موجود است، مدت تحصیل در این مکاتب نه  
ماه می باشد، شاگردان بصنف های مختلفیکه هر یکی  
سرکب از پست و پنج فر است اقسام یافته اند، پس  
ز اتمام تحصیل متعلمین در حضور یک کیسیون  
الی که همه مدارس را میگردد امتحان صاحبمنصبی  
اده بشهادتنامه استعداد نایل شده بعد از آن  
ریک فوج قدیم خود برگذشت بسمت (فاهن ریک)  
شغول ابغای وظیفه میشوند و منتظرند تا اینکه یک  
رقع نایب دومی خالی مابد و بانجا نصب شوند،  
صاحبمنصبان برای عموم صنوف نظامی در همین  
مدارس تربیت می شود، فقط درحین خروج از مکاتب  
طالبان بیاده نظام مستقیماً فوجهای خود برمیگردند و  
طالبان سواره نظام یکسال نیز در مدرسه (هانور) میمانند،  
آنانکه بدل توپچی بیاده شدن را دارند اول در  
افواج خود دو سال بسر برده نه ماه دیگر در مکتب  
مختلط توپچیان و مهندس که در (شارلوتنبرخ) واقع

است تحصیل کرده، بالاخره چهار هفته نیز در مدرسه  
توپ اندازی (پوتربورخ) میگذرانند،  
کسانیکه راغب توپچیکری صحرا هستند نخست دو  
سال در افواج خود خدمت نموده بعد از آن چهار  
ماه فنون استعمال توپهای صحرا را در مدرسه (پوتربورخ)  
تعلیم میگیرند.

اشخاصیکه مایل صاحبمنصبی استحکاماند دو سال  
در مکتب مهندسی (شارلوتنبرخ) مانده در این فن  
رسوخی کافی بهمرسانند.

تعیین صاحبمنصبان

شاگردان فارغ التحصیل که از مکاتب جنگ بیرون  
آمده و (فاهن ریک) میباشند تا اکثریت آرایه  
صاحبمنصبان افواج خود را احراز نکنند نمیتوانند،  
بدرجه نایب دومی (لتنان) برآیند

توجیه این منصب مختص شخص امپراطوری است  
و اینک ملوک ساقس و باور و و رنمبرغ و دوک دبرو  
نزیوک حق تعیین باین مراتب را در قلمرو خویش  
دارا میباشند.

مراتب و درجات صاحبمنصبان

درجات صاحبمنصبان در آلمان بقرار ذیل است

۱ - نایب دوم (لتنان)

آن داخل هیئت جنگ نیستند، بلکه این یک وسیله برای اکتال فنون عسکریه و پایه اخذ معلومات بحیه کسانی است که در آنی داخل ارکان حرب یا مأمور بعملی مدارس نظامی یا بسا پر کارهای مهم گماشته خواهند شد .

صاحبمنصبانیا در این دارالفنون میپذیرند که حائز رتبه نایب دومی یا اولی بوده، و از وقت توجیه آن منصب اقلای سه سال بگذرد و تقدم آنها در خدمت چنان باشد که شوانند بعد از پنج سال از تاریخ دخول مدرسه مدرجه سلطانی نازل آیند در هر فوج سرهنگ بطالین اجازه گذراندن امتحانات مخصوصه را برای دخول دارالفنون داده و در باب استعداد و مکتسبات علمی و درجه مکنت هر یک از آنها راپورت مینویسد امتحاناتیکه برای قبول بدارالفنون اجرا میشود همه تحریری بوده هر سال تخمیناً یکصد و سی صاحبمنصب پذیرفته میشوند

مدت تحصیل سه سال است پس از انقضای سال اول صاحبمنصبان در یکی از صنوف عسکریه که غیر از صنف خود شان است یعنی اگر سواره است در پیاده و یا در توپخانه و اگر پیاده است در سواره و یا توپخانه و قس علی هذا باید سه ماه مانده تجربه آموزنده بعد از سال دوم سه هفته احرا آت توپخرفی بعمل آورده مجدداً در یکصنف دیگر برای کسب اطلاعات مدتی بسر میبرند، چون سال سوم بالخر رسد متعلمین امتحانی داده سه هفته برای تطبیقات فن حرب بسفر میروند ، این سفر نظامی مزایست بحیه ثبوت استعداد ایشان در حل مسائل جنگ و مقاومت بدنی آنها در اسب سواری وغیره ، فارغ التحصلین این دارالفنون منتسم بر پنج گروهند .

اولاً - کسیکه در هیئت ارکان حرب باید تجربه یاد گیرند .

ثانیاً - مستعدان با خودانی حضور .

ثالثاً - معلمین در مدارس جنگ .

رابعاً - کار گذاران وزارت جنگ .

خامساً - مأمورین بتزیین خریطه های جغرافیای نظامی .

یک فرقه از متعلمین نیز که در شمار اقسام فوق نیستند بعد از اکتال مدرسه در افواج خدمت می نمایند

۲ - نایب اول (اوبرلتان)

۳ - سلطان (مورخان)

۴ - یاور یا رئیس اطالیان (ماژور)

۵ - نایب سرهنگ (اورت لنتان)

۶ - سرهنگ (اورت)

۷ - سرتیب (ژرال ماژور)

۸ - امیر تومان (ژرال لنتان)

۹ - رئیس اردو (جنرال)

۱۰ - سردار (بلد مارشال)

### تزیینات

تزیینات نظامی در آثار منوط اراده امپراطوری است، ولی در احرای آن مراتب دو اساس قانونی میشود و برای س حدی معین نگردیده .  
اولاً - امتیاز و شغل جد از هم دیگرند .

ثانیاً - ترقیبات باعتبار قدم در خدمت و بحسب استعداد میباشد، هرگاه یک صاحبمنصب مسبوق الخدمه که شواند ز عهده منصبی که باو ظالماً باید محول شود برآید مدرجه رتبهتر نصب نمیکردد .

امیدرات مکسوفه را هیچ تأثیری بر مواجب و مستمری نفع ندیده، فقط تبدیل شغل استحقاق باخذ آنها مهم میرسد . مثلاً یک صاحبمنصب که حائز رتبه نایب سرهنگی باشد و ریاست یک طالبان را دارا شود این شخص تنها حیره و مستمری یک رئیس با طالبان را میگیرد علاوه بر اقسام مشروح فوق زمره ار صاحبمنصبان هستند که درجات آنها بصرف افتخاری بوده از حیره و مواجب نصیب نداشته فقط اذن پوشیدن البسه رسمی را دارند .

### ارکان حرب

دارالفنون حرب - در سال ۱۷۵۵ مسیحی فردر یک بزرگ دارالفنون حربی برای نجیاه مملکت تشکیل داده بود که صاحبمنصبان بزرگ از آنجا بیرون میآمدند در سال ۱۸۰۳ دارالفنونی ترتیب نمودند که صاحبمنصبان جوان در آنجا تربیت یافته و پس از مدتی هیئت ارکان حرب داخل میشدند این مدرسه از ۱۸۷۲ باین طرف در زیر اداره رئیس ارکان حرب میباشد .

این دارالفنون را مدرسه ارکان حرب نتون گفت، زیرا که هیچ یک از صاحبمنصبان بعد از اکتال

اطباء اردوها اجرا میگردند بهر تبه طبیب نظام نایل آیند علاوه بر این جوانانیکه از سایر مدارس طب فارغ التحصیل شده عنوان دکتری گرفته اند ، بعد از اتمام خدمت اختیاری میتوانند بموجب شرایط فوق بطبی نظام گزیده شوند .

### مأمورین اداره نظامی

این مأمورین بحسب وظائف به سه صنف منقسمند و از حیث مراتب بعنوان کار گذاران بزرگ و مأمورین کوچک بدو شعبه تفریق شده اند برخی از منسویین فرقه اول مرتبه صاحب منصبی را در هنگام حاج حایز بوده بعضی دیگر این مرتبه را تنها در وقت جنگ دارا میباشدند و هیچک از اینها داخل صفوف حرب نمی شوند .

### صنف اول

این صنف شامل بر مأمور میباشد که فقط تابع رؤسای عسکری هستند مثل تحویل داران نظام بیطاران و دواسازان که در هنگام حاج حق پوشیدن البسه رسمی دارند یا مأمورین راه آهن و منازل عسکری که تنها در وقت جنگ اباس نظامی میشوند معاونان تحویل داران و تفنگساز ، حیه دار و سراج وغیره نیز ازین صنف بشمار می آیند .

### صنف دوم

منسویین این صنف اشخاصی هستند که از یکطرف در زیر حکم رؤسای عسکری و از طرف دیگر تابع ادارات خود هستند ، مثل مشورین بحکم نظامی منسویان استنطاق و مأمورین روحانی که در هنگام حاج مرتبه صاحب منصبی دارند و مأمورین بریض و ... و ... و غیره که فقط در وقت جنگ لباس نظامی می پوشند .

### صنف سوم

منسویین این صنف عموماً از مأمورین استیفاء میباشدند مانند لشکر ویسان و سر رشته داران و مشرفان .

### راست کل و اداره مرکزی

پادشاه بروس و امپراطور آلمان رئیس کل قشون است و حق اعلان جنگ با تصویب حکومت متفقہ آلمان دارد ، و در زمان حرب حکمرانیش بی حدود و شروط بوده ، ولی در هنگام حاج در ملک او بر و ساقس و ورغبرغ نفوذش بدرجه محدود میباشد .

صاحب منصبان منسویین گروه اول دو سال در هیئت ارکان حرب برای نخبرت مانده و رساله نیز در خصوص یکی از مسائل جنگ تالیف نموده از نظر رئیس ارکان حرب میگذرانند ، بعد از تدقیق آن رساله قسمی به دایره ارکان حرب گماشته شده بعد از یکسال خدمت بمنصب سلطانی نایل میشوند ، قسم دیگر با جودای حضور تعین میگردند ، و برخی با فوج خویش بر میگردند ، چنانکه از اقادات سابقه استنباط میشود دارالفنون حرب در آلمان مالانرا از یکمدرسه ارکان حرب است و سبب تاسیس آن نشر عارف طالبه نظامی و روشن کردن افکار صاحب منصبان میباشد .

### خدمت در ارکان حرب

ارکان حرب شامل بر چند قسم میباشد .

اول - هیئت عالی ارکان حرب بران و مراکز اردوها که مشغول تعلیم قشون و نیهات جنگند .

دوم - آجودان حضورند که در حضور امپراطوری و بعضی از شاهزادگان مکلف بوظایف تبلیغ او امر و ترتیب راپورت های یومیه و امور عائد بساخلوی و کارهای راجع بتزفیع مراتب و مرخصی و تبدلات نظامی و مکافات و مجازات و اخذ سرباز و تقاعد و حیره و مواجب و کل مصالح استیفاء میباشدند امورائیکه مانند عدلیه عسکری ، استیفاء لشکری ، اداره صحیه و مذهبه قشون خارج از مطالب فوق و راجع بمأمورین مخصوص است که در هر اردو در زیر حکم رئیس اردو می باشد .

### اطباء نظام

اطباء نظام مثل سایر صاحب منصبان با احترامات عسکری حق دارند ، اغلب آنها از مدرسه طبیه مساه به امپراطور کلیه که در بران واقع است بیرون آمده اند ، کسانیکه میخواهند داخل این مدرسه بشوند باید کمتر از بیست و یک سال داشته و تکمیل علوم در یکی از مکاتب کرده و شهادتنامه خدمت اختیاری یکساله را دارا باشند ، شاگردان باید شش ماه بسمت سربازی در یکفوج مانده پس از آن در مکتب طبیه چهار سال تحصیل نمایند بعد از اكمال عنوان دکتری را گرفته چند ماه مثل طبیب معاون در یکفوج موظف بوده منتظر میشوند تا در انتخاباتیکه دو میان

(وضع قوماندانی لشکر)

پادشاه پروس بشخصه قوماندان سپاه است کابینه نظامی امپراطور و وزارت جنگ و هیئت عالی ارکان حرب و اداره تفتیشیه و رؤسای اردوها همه واسطه اجرای احکام امپراطوریند .

(کابینه نظامی امپراطور)

کابینه نظامی امپراطور مستقیماً در زیر فرمان امپراطور بوده ، و واسطه افاد اوامر ملوکانه است و دارای دو شعبه میباشد ، یکی خود هیئت کابینه و دیگری دایره ارکان مأمورین است که امور متعلق بنصب و تبدیل و نشان و غیره با آنهاست .

(وزارت جنگ)

وزارت جنگ مرکز تمامی مصالح راجع بداره و ترتیب قشون و تجهیزات و خدمات متنوعه دیگر است ، وزیر جنگ که پیش مجلس مبعوثان و شامسئول میباشد رئیس سپاه نیست ، و طیفه اوتنها مواظبت بامور اداره لشکر است .

(هیئت عالی ارکان حرب)

رئیس این هیئت بشخصه پیش امپراطور مسئول است .

و مکلف بکارها است که تعلق به نهاد جنگ و بامور عملیات حرب و عملیات عسکری دارد ، علاوه بر اینها نظارت تمامی مدارس بزرگ نظامی بعهده اوست .

(اداره تفتیشات)

عموم مأمورین تفتیشات مستقیماً در زیر فرمان شخص امپراطور بوده و بچند شعبه منقسم اند .

اولاً - پنج کمیسیون که هر يك در تحت ریاست بکثرت از اعضای خانواده سلطنت موظف به تفتیش اردوها و پیاده نظام میباشد .

ثانیاً - دو هیئت تفتیشیه برای سواره نظام .

ثالثاً - مفتشین توپچیان پیاده .

رابعاً - مفتشین سربازان مهندس و اسنحکامات

و غیره .

خامساً - مفتشین بتدقیق ادوات و اسلحه سپاه

سادساً - مفتشین مدارس نظامی و مشق عسکری

( دارالفنون حرب بیرون از دایره تفتیش ایشان است ) علاوه بر این مفتشین دائمی دیگر هستند که تابع وزارت جنگ اند مثل مفتشین توپخانه صحرا و سربازان شاسور و محازن عساکر نقلیه و غیره .  
( ریاست اردوها )

جنرالیک حکمران اردوست ادر او بر تمامی عساکر حاضر و احتیاطی ، ولادوریکه در حیطه آن اردو میباشد مجراست ، و از تعلیم پیاده و سواره و توپخانه صحرا در وقت صلح و از تجهیز آنها در هنگام جنگ بشخصه مسئول است ، رؤسای اردوها مختار کل و مستقیماً اوامر امپراطور را دریافت میکنند و از حیث فرماندهی تابع وزارت جنگ و نه مطیع ریاست ارکان حربند .

امیر توماسیک فرمانده یکفرقه اردو است حکمش علاوه بر عساکر پیاده بر بریگادهای سواره و توپچی فرقه خویش نافذ است ، ترتیب مواظب حرکات داخلی و تعلیمات بریگاد محوله خود بوده علاوه ، بر آن مکلف بتدقیق اداره سرباز گیری که داخل حوره خود اوست میباشد .

قشون آلمان عموماً مرکب از پست و سه اردوست .

( ترکیب يك اردو )

يك اردو مرکب از دو فرقه است که هر يك از آنها دارای دو یا سه بریگاد پیاده ( بریگادهای اغلب در آلمان سه فوج دارد )

از يك بریگاد سواره ،

از يك بریگاد توپچی صحرائی

از يك باطالیان شاسور ( نوعی از پیاده است

از يك فوج توپچی پیاده

از يك باطالیان سرباز مهندس .

از يك باطالیان عساکر آذوقه .

( تشکیل پیاده نظام )

پیاده نظام آلمان عبارت از ششصد و پست و بیج باطالیان میباشد .

عده افواج که هر يك از آنها از دو یا سه باطالیان ترکیب یافته دوپست و شازده است و هبعده باطالیان بشکل اصلی باقی گذاشته شده که آنها را ( شاسور ) مینامند ، هر فوجی با اسم ولایتیک از آنجا گرفته شده

- ۱ - ۱ . . . . . نایب و کبابشی
- ۹ - ۱ . . . . . فاهربك (تفصیلتش در فصل مخصوص گذشته)
- ۴ - ۵ . . . . . وکیل
- ۸ - ۹ . . . . . سر جوقه
- سائر افراد
- ۲ - ۲ . . . . . عداکریکه دوباره داوطلب خدمت شده اند
- ۱۰ - ۱۲ . . . . . سر بار درجه اول
- ۱۱۳ - ۱۲۸ . . . . . سر بار
- ۱ - ۱ . . . . . پرستار مریشان
- جمع ۱۶۰ - ۱۴۱

▶ باطالیانهای شاسور

عدد اینها هجده است که چهارده از آن ناقص الافراد و چهار کامل الافراد است و در هنگام جنگ از هر باطالیان دو دسته تجهیز میشود.

▶ مفرزه های میتراپوز

بده باطالیان شاسور و به فوج پیاده نظام يك مفرزه که حامل شش میتراپوز است ماموق شده و هر يك از این مفرزه ها مرکب از چهار صاحب منصب و بچاه فر است.

▶ پیاده نظام صنف لاندور

خاک آلمان چنانکه سابقاً ذکر شد بدویست و نود و چهار قطعه لاندور منقسم گشته که بعضی از آن قطعات بواسطه کثرت نفوس میتوانند بیشتر از يك باطالیان از سربازان منسوب بمرتبه اول یا دوم لاندور در وقت لزوم بزیر سلاح در آورند.

▶ صنف لاندسترن

همچنین هر یکی از قطعات لاندور میتواند اقلأ يك باطالیان از سربازان درجه دوم لاندسترن آماده جنگ نماید.

▶ مجموع پیاده نظام آلمان که ممکن تجهیز است

پیاده نظامیکه دولت آلمان میتواند در وقت جنگ در تحت سلاح در آورد بمنوال ذیل است از قشون حاضر . . . ۶۲۵ باطالیان که میبجده از آن شاسور است

از سپاه احتیاطی } ۲۴۶ باطالیان  
 ۰۰۹ باطالیان شاسور

یا بنام رئیس آن که اغلب یکی از شاهزادگان آلمان یا جنرال است معروف موسوم میباشد. از ششصد و هفت باطالیان که افواج از آنها تشکیل شده بانصد و چهارده باطالیانش هر یکی بانصد و هفتاد نفر سرباز داشته و نود و سه باطالیانش هر یکی مرکب از شش صد و چهل نفر است.

هر باطالیان بچهار دسته تقریق شده و هر دسته به جرکه و شش نیم جرکه و دوازده جوقه منقسم است. صاحب منصبان بزرگ يك فوج سه باطالیانی

(قرار ذیل است)

- سرهنگ یا نایب سرهنگ که رئیس فوج است.
- يك یا دو صاحب منصب بزرگ.
- يك نایب اول که رئیس کابینه سرهنگ است.
- يك رئیس الاطباء نظامی.
- پنج طبیب معاون.

▶ اجزاء خارجی يك فوج

دو وکیل يك رئیس موزیکانچی نه موزیکانچی می شاگرد موزیک و سیزده صنعتکار.

▶ صاحب منصبان يك باطالیان

يك یاور یا رئیس باطالیان.  
 يك نایب دوم که مکلف بوظایف آجودان مازور است.  
 يك نحویدار.

▶ وضع ترکیب یکدسته

صاحب منصبان کامل - ناقص الافراد - الافراد

- سلطان . . . . . ۱ - ۱
- نایب اول . . . . . ۱ - ۱
- نایب دوم . . . . . ۲ - ۳
- جمع . . . . . ۴ - ۵

▶ صاحب منصبان جزو

- وکیل ملی . . . . . ۱ - ۱

از صنف اول لاندور . . . ۲۲۶ باطالبان  
 از صنف دوم لاندور . . . ۲۰۰ باطالبان  
 از صنف سوم لاندور . . . ۳۰۰ باطالبان  
 مجموع ۱۸۱۶ باطالبان هزار قری  
 بجات آخری سه کرور و سیصد و شانزده نفر  
 سرباز زیاد

تشکیل سواره نظام

در آلمان جهل و شش بریگاد سواره نظام که  
 هر بریگادش عبارت از دو فوج است موجود بوده ،  
 ولی در هنگام سلج بهیئت بریگاد باقی مانده با فوج  
 منقسم شده اند . فقط سواره گارد امپراطوری بشکل  
 یک فرقه مرکب ز چهار بریگاد تزیین یافته است ، دو  
 بریگاد هر اردو ملحق گردیده و علاوه بر این هفده  
 اردو ( از فرقه یک تا هفده ) هفده اسکادرون شاسور  
 سواره تقسیم نموده اند . این اسکادرونها در هنگام جنگ  
 واسطه ارتباط میان ارکان حرب و سیاه میشوند تا  
 با افراد سواره نظام اردو از آن راه قهقنی وارد نیاید

ترکیب یک فوج سواره

صاحب منصبان یک فوج سواره مرکب از یک  
 صاحب منصب بزرگ (سرهنگ یا نائب سرهنگ یا یاور)  
 که رئیس فوج است و یک صاحب منصب دیگر که نیابت  
 ویست را بعهده دارد و یک نایب آجودان و دو یا  
 سه طبیب و یک نحویدار و سه بیطار میباشد .

هر فوج دارای پنج اسکادرون است .  
 افواج سواره مانند پیاده نظام بدو نوع جدا شده  
 که بعضی از آنها کامل الافراد و بعضی ناقص الافرادند  
 سیزده فوج کامل الافراد هر یک دارای بیست و پنج  
 صاحب منصب و هفتصد و بیست و پنج نفر سواره  
 و ششصد و نود و هشت رأس اسب میباشد و هشتاد  
 فوج متبانی که ناقص الافرادند هر یک بیست و پنج  
 صاحب منصب و ششصد و نود و بیست و پنج نفر سواره و شش صد  
 و هفتاد و هشت رأس اسب دارد

اجزای یک اسکادرون

صاحب منصبان	کامل	ناقص
سلطان	۱	۱
نایب اول تا دوم	از ۲ تا ۴	از ۲ تا ۴

صاحبان جزئی

مأمور مناقلات پست	۱	۱
نایب مأمور مناقلات	۱	۱
قائم نیک	۱	۱
وکیل	۴	۴
سرجوخه	۱	۱

سایر افراد

طبل زن	۳	۳
سواره درجه اول	۱۸	۱۹
سواره	۱۶	۱۰۱
پرستار مریضان	۱	۱
سرباز صاحب صنعت	۲	۲

مجموع ۱۴۲ ۱۲۶

اسب . . . . . ۱۳۹ ۱۳۵

سواره نظام صنوف احتیاطی و لاندور

از صنوف احتیاط و لاندور در وقت جنگ  
 میتوان تقریباً ۴۶ بریگاد سواره تزیین داد .

لاندسترن

از این صنف میتوان دو اسکادرون برای هر  
 بریگاد سواره نظام در هنگام حرب تجهیز نمود

کلیه سواره آلمان که ممکن تجهیزند

در وقت حرب دولت آلمان از سواره نظامش  
 میتواند بقرار ذیل تجهیز نماید

از قشون حاضر . . . ۲۸۸ اسکادرون که ۱۶

ار آن شاسورند

از احتیاطی و لاندور . . . ۱۸۴ اسکادرون

از لاندسترن . . . ۹۳ اسکادرون

مجموع ۶۶۵ اسکادرون

توبخانه

توبخانه آلمان بدو قسم منقسم است که یکرا

توبخانه پیاده و دومی را توبخانه سحررا مینامند

توبچیان پیاده

این شعبه کلیتاً از توبچیان سحررا جدا است فقط از  
 حیث نظام و سبق بروسای اردوها مربوط بوده و در  
 سایر کارها تابع مفتش عمومی توبخانه که او هم مستقیماً  
 در زیر حکم امپراطور بوده و دو معاون دارد که  
 بهر اثنی آنها بر تمامی امورات توبچیان پیاده و بمدرسه



توپ اندازی مخصوص و بمدرسه قورخانه و بکمپسیون مخصوص توپخانه رسیدگی کرده و مرجع تمامی کارهای متعلق به قلمهجات می باشد

توپچیان پیاده عبارت از هیجده فوج بوده صد و شصت و سه دست منقسم هستند  
 مأمورین قورخانه در آلمان محدود می باشد زیرا که تمامی ادوات جنگ ساخته و پرداخته از کارخانه کروپ درمی آید

توپچیان صحرا

هر اردو تقریباً دو بریکاد توپچی صحرا دارد که هر بریکادی دارای دو فوج بوده و هر فوجی منقسم به شش بطریقت ، یعنی از افواج ایالت باویر که تنها پنج بطریقی دارند و علاوه بر اینها دو فوج علیحده که بسته بهیچ کدام از اردو ها نیستند موجود میباشد ، که جملاً یانصد و هفتاد و چهار بطریقی میشود

از این بطریقا یانصد می و دو بطریقی مونت (۱) و چهل و دو بطریقی سواره میباشد باین عدد باید بکنفوج تعلم که دارای نه بطریقی است افزوده شود . هر بطریقی در هنگام صلح از چهار تا شش توپ دارد و در وقت جنگ شانزده عراده می بندد که عبارت از شش عراده توپ و شش عراده صندوق و دو عراده تدارک که تماماً شش اسبه اند و یک فرغون چهار اسبه و یک فرغون آذوقه دو اسبه میباشد اندازه دهنه توپها در تمامی بطریقا ۷۷ میلیمتر بوده مال توپهای اوزنیه ۱۰۵ میلیمتر میباشد در وقت جنگ هر بریکاد بهر یک از فرقه های اردو شش بطریقی مامق می سازد ، و به هر فرقه سواره دو بطریقی داده میشود ، مابقی بطریقای هر بریکاد یا

دوباره در میان فرقه های اردو توزیع میشود ، یا اینکه علیحده مانده در زیر حکم رئیس اردو حرکت مینماید ( توپچیان سنوف احتیاطی ولاندور )

توپچیان احتیاطی و صنف اول لاندور در هنگام جنگ بطریقای تشکیل میدهند که در وقت اردو هر فوجی دو بطریقی از اینها اضافه میشود . ( لاندسرن )

توپچیان این صنف می توانند بمقدار عدده بطریقا احتیاطی ولاندور بطریقی تجهیز نمایند . ( مجموع بطریقای ممکن التجهیز )

در وقت جنگ ترتیب بطریقا از اینقرار است .

حاضر	۵۸۲	مادری
احتیاطی ولاندور	۱۸۸	
لاندسرن	۱۸۸	

مجموع ۹۵۹ بطریقی ۶ توپ ( ۵۷۰۰ توپ )

( سرمازان مهندس )

سرمازان مهندس بیست و شش ماطالیان اند که هر یک از آنها بیک اردو مامق است ، این ماطالیانها در شکل فوج مرتب شده است هر ماطالیان اغلب از چهار دسته مرکب است که مجموعش نود و هفت دسته میشود ، این موظف بعملیات پلهای نظامی هستند بدسته سرمازان مهندس یک فرقه پیاده نظام یکدستگاه آلات و ادوات بل سازی داده شده است .

افواج مناقلات و محاربات

این افواج تابع معتش محصوص بوده و خارج ر زمرة مهندسان نظامی هستند و مرکب از اقسام دینند ۹ - فوج بروسیان از جمله حات راه آهن جنگ

( ۱ ) توپخانه هموماً بر دو قسم است ، توپخانه پیاده ، توپخانه صحرا

توپخانه پیاده اغلب در مدافعه سواحل و استحکامات و در بعض مواقع محصوصه بکار برده میشود و تنها صاحب منصبان سوارند .

توپخانه صحرا منقسم بر سه شعبه میشود

اولاً بطریقی مونت ، که عموم صاحب منصبان کل و جزو و سرجوفه ها سوارند ، و افراد توپچیان مرکبند از اسب رانان که راکب اسبهای عراده ها هستند ، و توپچیان پیاده که در حین لزوم میتوانند سوار روی صندوقهای توپ بشوند ، و حرکت این توپخانه معتدله میباشد .

ثانیاً بطریقای سوار که تمامی توپچیان سوارند و میتوانند بسرعت کامله راه روند

ثالثاً بطریقای کوهی که در پشت قاطرها برای جنگ بکوه حمل مینمایند و تنها صاحب منصبان سوار هستند .

در صورتیکه اسبهای صاحبمنصبان و داوطلبان یکساله و بارگیری علاوه بر عدد فوق شود به ۱۲۴۰۰۰ اسب میرسد .

لشکر آلمان در هنگام صاحب جملاً بوجه آنی است .

مقدار پیاده نظام ،	۶۲۵	باطالیان
صنوف مبتدیان	۵۱۳	باطالیان
سواره نظام	۴۸۲	اسکادرون
توبخانه صحرای	۵۸۳	باطری
توبخانه پیاده	۳۸	باطالیان
عساکر مهندس	۵۲۶	باطالیان
تاکرانی نظام	۵۰۳	باطالیان
بالون سوار	۵۰۱	باطالیان
عساکر آذوقه	۵۲۳	باطالیان

( قوه لشکری آلمان در جنگ )

بر موجب قواعد سرباز گیری اگر چه عده سپاه آلمان بشانزده کرور نفر در هنگام جنگ بالغ میآید و لیکن در میان این قشون تنها هشت کرور سرباز تعلیم دیده و مشق کرده یافت میشود و اینها بر منوال آنی است .

قشون حاضر	۵۸۶۰۰۰	نفر
احتیاطی	۱۱۵۰۰۰۰	نفر
لادور صنف اول	۸۴۲۰۰۰	نفر
لادور صنف دوم	۷۷۰۰۰۰	نفر
لاندسترز	۶۰۰۰۰۰	نفر
مجموع	۳۹۴۸۰۰۰	

وضع تشکیلات این عساکر :-

اولاً بیست سه اردو که هر یک مرکب از بیست و چهار باطالیان پیاده و بیست و چهار باطری توبخانه و هشت اسکادرون سواره است  
ثانیاً - ده تا دوازده فرقه سوار که هر یک منشکل از سه بریگاد دو فوجی که هر فوجش چهار اسکادرون است .

ثالثاً - بیست و سه تاسی فرقه احتیاطی که هر یکی دارای دوازده باطالیان و شش باطری لادور ( صنف دوم )

رابعاً - سی صد باطالیان - خامساً - لاندسترز

که عبارت از بیست و چهار دسته است و یک باطالیان از ایالت باویر باینها منضم گردیده و مجموع آنها را به بیست و هفت رسانیده است .

۲ - سه باطالیان از جمله جات تلگراف نظامی که مرکب از سه دسته میباشد

۳ - یک باطالیان بالون سواره ،

عساکر آذوقه

عساکر مأمورین آذوقه بیست و سه باطالیان بوده ، در نقرعات وظایف خویش تابع یک مفتش مخصوصند .

بدجه حرب

بدجه حرب شامل بر فقرات آنی است .

۱ - مصارف دائمه ،  
۲ - مخارج اتفاقی که حدود منقسم بدو قسم است .  
اولاً - مخارجیکه از منابع معمولی میرسد .  
ثانیاً - مخارجیکه از منابع فوق العاده باید میشود .  
بدجه مصارف نظامی از سال ۱۹۰۲ تا سال ۱۹۰۳ به دوست و نود یک کرور و یکصد هزار تومان رسیده ( فرانک از قرار دو هزار دینار )  
و علاوه بر این سی و شش کرور تومان بعنوان مصارف فوق العاده ثبت دفتر گردیده که مجموع اینها بالغ به سیصد و بیست و شش کرور میشود ، مخارج متعلق بزاندارم و استمراری های تقاعد داخل احساب نیست .  
حیره و مواجب ژاندارم از جانب وزارت داخله هر یک از حکومتات متحده داده شده و استمراری نقاعدات نیز از صندوق مخصوص کارسازی میشود  
تاسی این مخارج متناسب با عدد سپاه بوده و بقرار ذیل است .

صاحبمنصبان	۲۴۳۵۵	نفر
اطبای نظام	۲۲۰۶	نفر
صاحبمنصبان جزو	۸۱۰۹۷	نفر
سرباز	۴۹۵۵۰۰	نفر
عساکر داوطلب	۱۰۰۰۰۰	نفر
اشخاص متنوع از قبیله تجار و غیره		
بیطار تفنگساز و سراج و غیره	۲۸۴۰	نفر
مجموع	۶۱۵۹۹۳	
عدد اسبها	۹۰۰۰۰۰	

سواد مکتوب طهران باسلامبول  
 مشفقاً مکرمًا. پس از مراسم دعاگوئی اظهار میدارد  
 گویا بواسطه اختصار مکتوب سابق کابلیق درک مقصود  
 نشده، لازم آمد قدری مبسوط نگارم تا کشف مقصود  
 شود، چون باشاره اعضای محترم مجلس شورای ملی در  
 هر بلدی که مأمورین دولت علیه ایران آمدند برای  
 کشف سلوک آنها با اهالی و زبردستان و انقطاع ظلم و  
 تعدی بفراخلور آن بلد چند نفر وقایع نگار مخفی تعیین  
 شده که رفع ظلم از مظلومین شود، شمارا نیز که سابقه  
 دوستی و از هرجهت وثوق کامل داشته و دارم بمصالح  
 دید هیئت اعضای انجمن از جمله پنجغری که براسی  
 آنجا مشخص شده بود قرار دادیم، وچنانچه چهار نفر  
 دیگر را بشما معرفی نکردیم شمارا نیز بدیگران معرفی  
 نمیکیم و نباید کسی شمارا بسمت وقایع نگاری بشناسد  
 و لا اقل باید مامی بکمربه حقایق سلوک مأمورین  
 دولت را نسبت برطایا مشروحاً راپورت نموده بانجمن  
 محترم ارسال دارید یقین است از هرجهت مطمئن بوده  
 وظایف ملت دوستی و وطن پرستی را مرعی خواهید  
 داشت، خداوند شمارا موفق بدارد،  
 (الداعی خادم الشریعه . . .)

سواد راپورت از اسلامبول بطهران  
 شریعت مدارا ملجاء الاناما - زهی شرافت که بنده  
 ناقابل را قابل خدمت نوع دانسته اید، با اینکه این  
 خدمت امری است بس خطیر، چون از آن ناحیه  
 مقدسه است بجان پذیرفتارم، در راه خدمت وطن  
 سروجان را قابلیق نیست، ولی ازبنده زیاده از احاطه  
 و اطلاع متوقع نیاشید،

عصر جمعه یازدهم جمادی الثانیه از آتش خانه  
 حاجی محمدتقی ختائی حریق ظهور کرد، از دو  
 سمت خالف والده نختائی و فوقانی تقریباً ده حجرة  
 تجارت و سی و دو جامه کن که حجرات  
 خوابگاه است، و سی و دو آتبخانه را کاملاً سوخت،  
 زیان کلی و خسارت بسیار بمحضرات تجار ایرانی وغیره  
 و صاحبان املاک آن وارد آمد، هنگام ظهور حریق  
 حسب المرسوم شن دسته عملجات اطفائی عنانی با تلمبه  
 های خود حاضر شدند، لکن گویا مأمور باطفاء نایره

حریق نبودند، آب تر کر که همیشه در خالف والده  
 جریان داشت مقطوع و بجرایمی گاز چراغها مفتوح  
 گردید، تا شعله آتش رسید نزدیک انبارهای طالتجاره  
 (ابه اوغلی) بچاه لیره داد برئیس عملجات اطفائی  
 آتش را از آنجا قطع کردند و بعضی از تجار دیگر هم  
 مقداری لیره دادند که عملجات اطفائی آب زده  
 ننگذارند آتش بمحجرات آنها سرایت نماید،

انجیر در بیوک آله بمحضرت اشرف سفیرکبیر دولت  
 علیه ایران برس ارفع الدوله امیرنویان رسید، روزیکشنبه  
 تشریف فرمای شهر شده بمحجره حاجی محمد باقر حریری  
 نزول فرمودند، جمعی از تجار در آنجا حاضر شده آمد  
 از اظهار تأسف فرمودند خان والده که مجمع و محل  
 راحت و تجارتگاه ایرانیان است نباید اینطور خراب  
 باشد تجار عرض کردند که هرگاه دولت عنانی دیوارخان  
 که از اثرات زلزله سابق خراب شده امر فرماید  
 بنظارت اطانت شهر بسازند و مالیات مترکم حجرات  
 خان را هم فعلاً مطالبه نموده بتاخیر انداخته اجازه  
 دهند بزودی تعمیر خواهد شد، فرمودند عریضه عرض  
 کنید وتمام نجسار امضاء نموده بدهید، تا روز جمعه از  
 پیشگاه اعلیحضرت سلطان اراده ملوکانه صادر نموده  
 تعمیر نماید، لهذا عریضه ترکی که ترجمه فارسی آن  
 قریب باین مضمون است عرض و محضرت اشرف  
 داده شد که برسانند

توسط سفارت سنیه دولت  
 علیه ایران - بخا کپای حاجت روانی  
 (پادشاهی معروض میدارد)

جناب رب منان حامی احکام فرقان و مشید دین  
 مبین اسلام بادشاه فاروقی جاه (انقذین) آقای مارا  
 الی آخرالدوران دهم ارای شوکت و شان فرماید، آمین  
 ما بندگان که دائماً در مساحد و مجامع دعای دوام  
 عمر و اقبال و شوکت شاهانه را ورد زبان مصادقت  
 بیان خود مینمایم چندی قبل در حریق های خالف  
 والده دو جار پریشانی سخت کردیدیم، تجارتگاه و  
 مساکنمان کاملاً طعمه التهاب آتش شد، گرچه تعمیر و  
 تجدید خان والده که از آثار عتیقه ممدود است و  
 تعمیر لاه هاچارا فرض عین میدادیم، ولی ما بیچارگان

فلاکت زده قطع نظر از اینکه برخه که از این صدمه جاسوز حصول یافته بتوانیم تحمل نمایم ، با مجبورت باغی (ویرکو) طالبات تراکم شده سبب بقای خرابیت بودنش در پیشگاه سلطنت ظل‌الله اعظم آشکار و هویدا است ، یگانه چاره عاجل اینکه طلب رسوم (ویرکو) را بوقت آخر تعلیق نموده علی ای حال تعمیر و تجدید خان را محالمت نمایند ، توشیح این امر با اراده سنیه تاجداری است ، و بخصیص دیوار روی جاده که معبر ماس است و سال گذشته از تاثیر زلزله روی جاده خراب شده چون بشرف خان ولده و بجاده ابراهیم قیصه میناید و تلافی این شرف جز تجدید و تعمیر دیوار مذکور نیست ، لذا با سرعت ممکنه تعمیر آنرا بنظارت جنابه اوقاف و مانت جنابه شهر اراده ماموریت غایب تاجدار اعظم شرفیاش حیضه صدور شدنش باکمال خضوع و صدق و عبودیت استرحام و استعطاف مینایم . . . . .

عموم تجار مهر و امضاء نموده بتوسط حضرت اشرف به پیشگاه ملکوتی اعلی حضرت سلطان فرستادند ، در مراجعت حضرت اشرف فرمودند ، اراده سنیه اعلی حضرت سلطان صادر شد که مأمورین عثمانی در تعمیر خان ولده موافق میل و خاطر خواه من رفتار نمایند ، روز بعد مهندس عثمانی خان ولده را باز دید کرده اسامی سائین و طابکین و نقشه خان را برداشته رفت ، چند روز از این مدده گذشت آری بظهور نرسید ، او اخر شهر جدی الثانیه حاجی عباسعلی آقا تبریزی اطلاع دادند به تجار و سکنه خان ولده که فردا مهندس منزل من خواهد آمد ، تماماً حاضر شوید تا قرار ساختن خان داده شود ، جمعی از تجار و سکنه حاضر شده بعد الحضور مشخص شد که مقصود آمدن مهندس نبوده تشکر نامه از حضرت اشرف تقاضا شده بود عبارات مخصوص نوشته حاضر کرده بودند ، تکلیف امضا و مهر بحضور نمودند ، یعنی از حضار ابراد کردند که هنوز صدور اراده سنیه مهین نشده چونکه حسب‌الرسوم در هر موردی که اراده سنیه صادر شود رسماً در روزنامه‌ها انتشار میدهند ، و در هیچ روزنامه تا بحال نشر نشده و انگهم در صورت لزوم باید از اعلی حضرت سلطان تشکر کنیم ، چونکه

هریضه بحضور اعلی حضرت سلطان بوده حضرت اشرف فقط واسطه رسانیدن هریضه بوده اند ، معیناً باصرار دو سه نفر و اجبار سایرین می و هشت نفر مهر و امضاء نمودند و تقدیم حضرت اشرف شده ، ایشانهم فوراً عکس آنرا برداشته طبع نموده بادارات جراید هر يك نسخه فرستادند ، از عباراتش ظاهر است از اهالی رضایت نامه خواسته اند بلباس تشکر نامه و مقصود پوشیدن سوابق اعمال است که مطابقت ، مضمون تشکر نامه اینست :

هریضه تشکر هموم ایرانیان خان ولده

( ۲۸ جمادی الثانیه سنه ۱۳۲۵ )

حضور مبارک بندگانی حضرت مستطاب اشرف اجد آقای برنس ارفع الدوله سفیر کبیر و امیر نوبان مدظله العالی

قربان حضور مبارکت شوم - از آنجا که تفضل از ادای شکر نعمت شایسته مقام انسانیست نتواند بود ، لذا معروض میدارد که از بدو ورود حضرت مستطاب اشرف باین بای نخت اسلامبول در حق عموم ما رعایا همه بوع مهربانی فرموده و باعث همه نوع شرف و اعتبار ما ایرانیان در افطار خودی و بیگانه شده اند ، بخصوص در این آتش سوزی خانوالده بمجرد استماع اینخبر موحش فوراً باکمال تأسف از بیوک آله تلگرافاً توسط حاجی میرزا عباسعلی آقا از هموم زبردستان اظهار مهربانی و هم دردی فرموده و نیز فردای آروز خود آنحضرت اشرف زحمت کشیده تشریف فرمایی خانوالده شده ، بعد از تأسفات زیاد درکال مهربانی فرمودید از من هر آنچه همراهی خواهید حاضریم ، لذا ما فدویان نیز درکال امتنان و تشکر اظهار و عرض کردیم ، که همین قدر از مابین همیونی اراده صادر و اجازه شود که فوری خان ساخته شود ، در انخصوص عرض حالی عرض نموده تقدیم شد ، بحمدالله که بالاخر از تمنیات این فلك زده ها امر و اراده اعلی حضرت همیونی را صادر فرمودید که هم مالیات املاک محروق شده را بتاخیر و تمویق انداخته ، و هم سربماً نوی خان را خود مان و دیوار خان را که مدتی بود منهدم بود که با توسطه خان از حیثیت و شرف افتاده بود خود حکومت محل بسازد ، دو

حقیقه از این همراهی ما فوق حضرت مستطاب اشرف هموماً در کمال امتنان بحضور مبارک با این عرضیه عرض تشکرات طودمان را تقدیم میکنیم . و ازدیاد عمر و اقبال حضرتش را از درگاه رب مستعان مسئلت مینمایم .

( باقی نباشد آنکه نخواهد جای تو )

### نتیجه

از دیوارخان والده که بنا بود حکومت بسازد به پنج وجه آری بظهور نوسید، حضرات تجار سکنه خان ولده چند قری شروع کردند حجرات خود را تعمیر کردن چند روزی که مشغول ساختن بودند ، قدری ساخته چه کاره و قدری مصالح حاضر کرده جهت ساختن که تا گاه مأمورین دولت عثمانی آمدند بمانعت کردند که ( ناورکو ) را ندهید و تذکره اجازه نگیرید ماذون تعمیر نیستید .

حضرات تجار سکنه گفتند حضرت اشرف از طاین همیون اراده صادر فرمودند ، جواب دادند در کدام روز نامه نشر شده ، تا ما هم اطاعت کنیم ، حضرات تجار مجدداً بحضرت اشرف عرض کردند فرمودند دو سه نفر از تجار بهرایی اوچانس خان منبع السلطنه دو سه روز دیگر بروند نزد رشید پاشا ، هر کدام قوه دادن ( و برکو ) را دارند تقدیم بدهند و هر کدام ندارند قراری بگذارند که با قساط پردازند ، تذکره اجازه حاصل نموده بسازند ، از این فرمایش معلوم شد که صدور اراده بی اصل بوده فقط محض بدست آوردن رضایت نامه بلیاس تشکر نامه بوده است

### { تکمیل }

یکی از اگر ادبای راهزنی بسفر میرفت ، مادر پیری داشت از او خواهش کفن حلالی کرد ، پس از آنکه کاروانی را حلت و برهنه کرد در آغیاه چشمش بهامه سفید طلبه که در آنها بود افتاده ، خاطرش آمد از کفنی که مادرش خواسته بود هممه را از سر طایه برداشته سر تنگ را پینه اش گذاشت ، گفت حلال کن که برای کفن مادرم میخواهم ، طلبه بچاره فریاد کشید ، حلال . حلال . حلال . تشکر نامه و رضایت نامه که سهل است هر نوع نوشته و سند نخواهند میدهم که طبع نموده با طرف و اکتاف

عالم منتشر نمایند ولی رضایت نامه را باید از خدا تحصیل کرد ، خدا بفریاد آن بچاره برسد که مأمورین قونسولخانه او را گرفته قونسولخانه برسد که تو پادشاه ایران دشنام داده باید نود و یکروز در اینجا حبس باش پس از اینکه چهل و پنج لیره جناب قونسول گرفته حبس او را بخشیدند بشرط آنکه استشهادی تمام کرده بیاورد که من پشاه ایران دشنام نداده ام پس از آوردن استشهادتک الزام هم از او میگرفتند که هرگاه در جانی اظهار آبی که چهل و پنج لیره بقونسول داده ام باید نود و یکروز حبس را متحمل شوی ، انشاء الله هرگاه حیاتی باشد در راپورت دیگر احوالات جوان بگیرد برانی که امام محله او را کشت و جکوسکی با مال شدن حروف آنرا با نازه داعادی که در خانه آقا مشهدی غفار قراجه داعی نا بدید شد و جوان سیدی که در خان جضریه خود را کشت طواهم نوشت

مطالبی که خیلی نازکی دارد ایست که بیست ، و سیم شهر رجب تا کرافا خلیفه قتل میرزا علی اسفرخان انانک ماسلامبول رسید چون حضرت اشرف در سابق شنیده بودند که فدایشان برای کشتن مستبدین طهران و جاهای دیگر رفته اند حروف کردند که شاید بقصد ایشان باسلامبول هم آمده باشند یا بیایند برانهای ، و افروایه اوچانس خان منبع السلطنه بیاب ضبطیه خبر دادند که هر ایرانی از دو ماه قبل باسلامبول آمده دستگیر و حبس نمایند و هر کس نازه وارد شود هنگام خروج از واقور بیاب ضبطیه اش ببرد ، چندین نفر ایرانی را از سابقین و لاحقین دستگیر نموده دو نفر سید و هام را فوراً طرد و تبعید نموده مابقی را یکروز دو روز سه روز چهار روز نگاه داشته کفیل گرفته رها کردند ، و چون منزل تابستانی حضرت اشرف در بیوک آله است ، هر ایرانی از اصناف بانجا میرفت مأمورین عثمانی طاع پیاده شدنش از واقور بودند ، مراجعتش میدادند ، اهالی از این حرکات ناموس شکنانه خیلی دلنگ شده مخفیانه چند مجلس کردند که برای رفع این ذلالت تدبیری کنند ، خبر بحضرت شرف رسید بقدر بیست نفر از تجار ، و چهار نفر از کپهای اصناف را طلبیده فرمودند ، چون در ایران دنا بینه ظهور کرده و اهالی حضرت سلطان عثمانی هم از دنا بینه خوف دارد از ترس اینکه مبدا ایرانی

از ایران دنامیت بیاورد امر کرده است هر ایرانی که وارد میشود بپزند باب ضبطه استنطاق نمایند کفیل گرفته رها کنند،

یک نفر از حضار گفت در گمرک که اشیاء او را با کال دقت می پزند هرگاه اشیاء ناپه داشته باشد دستگیر کنند، چرا بدون سؤال و جواب همرا میبرند، دیگری گفت واردین را شبه دارند، اشخاصی که از دو ماه قبل وارد شده اند چرا میبرند؟ دیگری گفت اصنافی که به آطه میروند چرا ملامت میکنند؟

حضرت اشرف فرمودند من دیروز تلگرافاً بطهران اطلاع داده ام و شنیدم شما میخواسته اید عرض حالی بمن بنویسید بسیار خوب بنویسید ولی باین مضمون بنویسید، که چون دولت عثمانی سوء ظن بایرانیان پهرسانیده هرکس وارد میشود میبرند بیاب ضبطه بعد از اقتضاح کفیل از او گرفته رها میکنند، استدعا داریم رفع اینکار را فرمائید، هرگاه بنای استنطاق و کفیل گرفتن است مأمورین قونسول حاکم نکنند به مأمورین عثمانی، بهمین مضمون بنویسید بیاورید تا من رفع کنم، والا رفع نخواهد شد حضار چون جاره را منحصر بمرض حال دیدند ساکت شده برخواستند در خارج هیچکس زبیر چنین عرض حالی نرفت از جمله اشخاص که گرفته بودند آقا میرزا احمد تاجر طهرانی بود که یکماه و نیم بود برای تجارت باسلامبول آمده بود پس از چهار روز نگاهداشتن که کفیل گرفته مرخص نمودند مذکور داشت از من استنطاق نکردند جز آنکه گفتند غمگین باش ما بتو کاری نداریم، سفیر شما گفته شما را بیاوریم نگاه داریم هر وقت بخواهند نسایم میدهم،

این خبر کم کم انتشار پیدا کرده بگوش حضرت اشرف میرسد، روز بعد میرزا احمد را مجدداً گرفته میبرند بقونسولخانه نوشته میگیرند که مأمورین عثمانی نگفتند سفیر شما گفته اند شما را بگیریم، در مراجعت مردم او را ملامت میکنند که چرا چنین نوشته دادی، جواب میگوید، شما هم هرگاه محبس را دیده بودید هرچه میخواستند مینوشتید

از آنجمله آقا مشهدی یوسف فرش فروش که تقریباً چهل سال است در اسلامبول ساکن است زیارت مشهد

مقدس مشرف شده مراجعت کرده بود، هنگام خروج از وافر مأمورین عثمانی او را گرفته میبرند میگویند، من چهل سال است ساکن اسلامبول هستم میگویند، ما ترا بخوبی میشناسیم لاکن از آمرشما امر داریم که هرکس وارد شود او را نگاه داشته کفیل بگیریم، او هم بعد از کفیل دادن و رها شدن در حضور جماعت از تجار ایرانی اظهار میکند، که مأمورین عثمانی اینطور میگویند، این خبر نیز بگوش حضرت اشرف میرسد، محمد ابراهیم بیگ ترجمانرا میفرستند نوشته از او میگیرند که من نگفتم مأمورین عثمانی گفتند از آمرشما امر داریم، گفتم از حکومت امر شده، مجدداً تجار مطلع شده مشهدی یوسف را حاضر کرده در حضور جمعی واقعات را تقریر میکند که گفتند از آمرشما امر داریم، تقریرش را مینویسند خودش هم امضاء میکند، حضار هم مسموعات خود را مینویسند جهة حضرت اشرف فرستاده میشود بالمره رفع اشتباه شده که خود حضرت اشرف این اسبابها را جهة ملت بیچاره فراهم می آورند، تا این اندازه اطلاعات خود را عرض کردم، شاید سایرین اطلاعاتشان کافی تر باشد و کامل تر معروض دارند

### قصیده وطنیه

عجب در ایران رواج دارد  
مرا چه کاروتورا چه کاراست  
سخن ازین به که یاد دارد  
مرا چه کاروتورا چه کاراست  
بشاه جمجاه وزیر دربار  
مرا چه کاراست زحرف اسرار  
وکیل داریم برای این کار  
مرا چه کاروتورا چه کار است  
نبوده ما را از آنکه نسبت  
بذکر مجلس بکار دولت  
و وضع قانون بلم و حکمت  
مرا چه کاروتورا چه کار است  
ز ملک ایران هماره اسمی  
روان ملت گرفته سستی  
قیام اغلب بنا درستی  
مرا چه کاروتورا چه کار است

ز ظلم و بیداد برفت از ابراف  
 هم علم و دانش هم اصل ایان  
 نخواهند گویا کسی ز قرآن  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 ز حکم قرآن تمام ادیان  
 گرفته رونق جو خور دوخشان  
 مگر که مسلم نشسته حیران  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 شرارتش نموده بیداد  
 ز مستبدان برفت بر باد  
 شرف ز ابراف هنر ز بنیاد  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 شان ثروت ز ملک رفته  
 تمام مردم جو ور شکسته  
 ز فقر و قافه خود کشته  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 فرنگ و ژاپون فرانس و بلجیک  
 چه روس افغان تار و تاجیک  
 هوشان شد عیان جو امریک  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 تمام کشور نبوده میزان  
 ز فرو رفت بخاک ابراف  
 شد است اکنون ز ظلم ویران  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 رسد ز هر سو بسی رقیمه  
 هزار آشوب هر وسیله  
 کنند ملت بسد دسیه  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 جلوب و مغرب سیاه دشمن  
 جو مارو افی کشیده کردن  
 نمیتوان شد ز فتنه ایمن  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 جهاز جنگی کنار بندر  
 نمود خود را برفت بکمر  
 قصد تفتیش بمشهد سر  
 مرا چه کار و تورا چه کار است

ز بندر جز باسترآباد  
 سفارت روس بشر تعداد  
 شبانه آرد سیاه بیداد  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 ز راه غفلت بخواب تا کی  
 نشسته بیداد چه دشمن از پی  
 که تار باید اشاه کی  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 ز راه خدعه بسی مواظب  
 بقلب سلطان ز هر جوانب  
 کنند فتنه هر مطالب  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 نکشته بکدل چه از حقیقت  
 نه مات از شه نه شه زملت  
 بغیر این نی میانه عات  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 از این تعارض که در میان هست  
 هماره ایران برفت از دست  
 بسان تیری که رفته از شست  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 رسد چه هر سو عیان اشارت  
 زهی خجالت از این حکایت  
 بخود نه بینی بسی مدامت  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 نه در حقیقت تمام افراد  
 جو عضو یک تن بود در ایجاد  
 نفاق از چیست بجای امداد  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 بکار ابراف ر فعل ماها  
 نیاطر گیرند بسی ملها  
 بسخره گویند همین سخنها  
 مرا چه کار و تورا چه کار است  
 از این نفاق کز این معارج  
 که میشارند هر مدارج  
 مال نبود سه شق خارج  
 مرا چه کار و تورا چه کار است

مگر ز مجلس رود قناعت  
وگر نه بی بخود اشارت  
و یا بکار صحنی اطاعت  
مرا چه کار و تورا چه کار است  
بغلت خود نشسته دلخوش  
بجای عزت بقر دلخوش  
همی سراپد ز غصه دلخوش  
مرا چه کار و تورا چه کار است  
بخاک ابراف بضعف ملت  
مگر نماید نظاره حجت  
بیابد ابراف دوباره قوت  
مرا چه کار و تورا چه کار است  
فره شهر رجب ۱۳۲۵ (ب. ق. ر.)

منبع فساد اس اساس فتنه  
(پولتیک خاٹانه)

بر همه معلوم است که میرزا رضای ابروانی که اینک متخاص بدانش و در زمره وزراء کبار بشماراست ، از برآوردگان میرزا علی اسفر خانت ، که بیوسنه بست یانگان و کج افکارانرا مینواخت و چون جان گرامی میداشت ، چنانچه کتیر کسی در عصر او بملصب وجاه رسید که بست و خائن و منافق نیاشد ،

بعد از آنکه حجج الاسلام به شاهنشاه دین پرور مظفرالدین شاه خواست باستغای او را فرموده و با هزاران امید رهسپار پترسبورغ شد که شاید در آنجا وسببه برانگیزد و بعددی دست رس گردد، از آنجائیکه خود حامی و در جنگ حریف برزوری مبتلا بود و حکم حجج اسلام هم در ماده او صادر شده بود اعتنا ننموده تاچار سیر و سیاحت چین و ژاپون را اختیار نمود ، ولی استمراراً دستورالعملش به برنس مصلومی میرسد

در دوره میرزا علی اسفرخانی دو تقلید بروز نمود ، یکی تقلید از عیسویان ، دیگری تقلید از کردار مرحوم حاجی میرزا محمد حسین خان سبه سالار ، زیرا آفرحوم منصب برنسی را در ایران اختراع نمود ، بی این لقب که خاص ملل عیسوی بود بوزیر دانشمند ن نظیر فرید زمان یگانة دوران میرزا ملکم خان

مخصوص داشت ، و او را بکلکرت برلین مأمور ساخت ، و این وزیر هم خواست آفرحوم را تقلید کرده باشد ، این آقای نکره ابروانی را که ترجمه حالش بر همه معلوم است بلفظ لقب برنس بخشوده ، بمجلس صلح لاهی فرستاد

(دانه فاقل سیاه و خال مه روبان سیاه)

(هر دو جان سوزند اما این کجا و آن کجا)

رفت وجهه مات ایران نشکی بار آورده شرح آن بصده دفتر نمی گنجد این مرد بیداش لجاجت نمیکشد در کتابه خود که بمخدمت تمام بزرگان هر قوم و ملت تقدیم می دارد با کمال بروائی میگوید ، در مناوره عسکری امپراطور مرا هم دعوت فرموده بود ، اسپ سرکش مرا چنان بزمین نواخت که بروی زمین نقش بستم ، حرم امپراطور آمدسیر ، گفت خوب افتاده کاشکی هرگز بر نمیخواستی . و امپراطور برش حالم نمود همینها دلیل صالح بروری امپراطور است .

اینان چنین دست بمشکت و بمیلوشت چه قدر سرزنش و توبیخ است از برای کسی که غیرت داشته باشد با اینکه دارای ملاصب عسکریست از اسپانیکونه بزمین بخورد که همه بر او بخندند ، و مضحکه نمایند حتی زمان

باری از مقصود دور ماندم این برس مصلومی هم باجرای دستور العمل های او میپرداخت ، همینکه دید از سمت روس بهره بدست نتواند آورد متوسل بمکر و فتنه و حیل دیگر گردیده که بانک دولت را مستأصل و وجود عبدالدوله را کافی نشمرده و دوباره آن مطرود را مرجوع دارند زیرا هیچ چیز در بساط دولت و صفحة مملکت باقی نگذارده بود ، و میداست جلوگیری از حریف صعوبت دارد پس بدستباری او حاس خان بعضی از وکلای عثمانی را فریب داده امررا بساطان مشتبه نمودند ، و چنان حالی کردند که در نزدیک روزی ، ایران فبا بین انگلیس و روس تقسیم خواهد شد ، هنوز که آنان آغاز باجرای کار نموده اند شام فسموی بجهت خود بدست آورده ، شاید آذر با بجان بحصه شما اصابت نماید ، این خام طمعان هم فریب خورده بسوق عسکر پرداختند و از بیراهه بدو با کمال دهشت بلا هیجان کهنه در آمدند ، همه روزه



عجز دولت ایران را گوش زد آنان میکرد تا رفته رفته وقر دولت را از میان برد ، عثمانیان را بکلی جری ساحت که در کربلا هشتاد نفر مؤمن را از پای در آوردند ، بمظلوم بچارگان شد آنچه شد

از آنجا که احد قدیم و صمد واجب الاعظم در فرقان کریم میفرماید ( ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینبروا ما بانفسهم ) اگر ما مسلمان بودیم و بوظیفه مسلمانی حرکت می نمودیم هیچ وقت خدا نعمت خود را در حق ما تغییر نمیداد ، و هرگز حواری و ذلیل نمی بودیم با ایمالت که ما درم بر خداست که ما را ذلیل نماید ، و بر ماست که دست حاجت بدرگاه حضرت رب العزة بر افراخته بازمان عجز و نیاز مسالت نمانیم و عرض کنیم «ربنا عامنا فضلك ولا ناملنا ببدلك» زیرا این مسلمانان که ما داریم مسلمانان نیست بر فرض محال هیچ کس از اهل ایران بر خدایات خائنین راه بردند ولی عموماً شنیدید که حجج الاسلام و نمایان امام زمان علیه السلام آنها را توبیخ فرمودند ، هر چند تکذیب نامه ساخته کی بزور بازده هزار تومان بمرسه نفر انتشار دادند ، ولی دستشان مختم مبارک مرحوم حجة الاسلام آقای شریانی اعلی الله مقامه رسید در ساخته بودن تکذیب نامه روشن تر ازین دلیل کافی اشاید ،

باری ما را در محنت و سقم آن سخن نیست ، ما اگر مسلمان می بودیم تا فرمان حجج الاسلام که آیت الله می باشند صادر شده بود نیابت بگذاریم او قدم بخونک باک ایرت بگذارد ، چون از وجهه اسلامیت انحراف و بت بر حق را شعار خود نموده ، بقول برنی رشوه خواریان قانع شده او را جواز دخول بخونک منس دادیم ، جزای ما جز این نبود که دسیسه برانگیخت و در هر گوشه مملکت خون ملت بچاره مظلوم را ریخت و تمهید دیگر نموده ملت را از علما و نجیبه خاطر و عاها را محروم از معین و پیر و مسلمانان را بی ملاذ و مآجاء گذارده بعد از آن دولت و ملت ایران را بلکه هیئت اجتهادیه اسلام را روز سیاه که اذهان احدی بر او احاطه نداشت نشانند ،

ای اساطین دین و ای پیروان حضرت خیر المرسلین بقدرت اسلام سوگند با وجود آنکه گزندگی که ازین خائنین دین تا امروز بملك و ملت اسلام رسیده از

گزند جنگیز بالاتر است ، ضرر ازین بجمد خائنین موجوده با پیشها به بوجه من الوجوه نسبت قبول نمیکند زیرا گزندهای پیشین نشان قوه ما را کسر نمود ، و گزند حالای آنها ملیت ما را محو و سلطنت ما را مقررش خواهد ساخت و دستبازهای خارجه خائنین همگی امثال همین پرس مصنوعی است در بر تو آن این شخص فعال ما برید گردید

### ❦ اخبارات خارجه ❦

§ وزارت خارجه آلمان از ملاقات رساله نواب ( مولی حفیظ ) انکار نموده اکنون عارم ( رژیم ) هستند § ( کالوت ایسواسکی ) از روسیه حجه سیاحت ده روزه روانه پاریس شده است

§ در باب جنوب ( اسکات لند ) باران شدید بارید ، مزارع و مواشی را نقصان سخت وارد آمده راه آهن اکثر مقاطعات خراب شده ، اطراف ( گلاسگو ) اکثر جاها هفت ( فیت ) ( دوزرع و ثات ) آب جمع است § ( مستر والدروف ) در دار العلم ( اکسفورد ) ( ۱۰۰۰۰ ) لیرا عطا کرده ، و ( ۱۰۰۰۰ ) لیرا دیگر وعده داده بهمین مقدار الی ( ۱۰۰۰۰۰ ) لیرا خواهد بخشید

§ دانایارا عقیده این است که ( کالوت ایسواسکی ) بجهت استقرار جدیدی در پاریس رفته است

§ در بازارهای گندم فروشی انگلستان قیمت گندم هر ( کوتر ) به جهل شلنگ رسیده

§ در مالک وسط جنوبی فرانسه باران شدت میبارد § در بودجه دخل و خرج ( ایتالیا ) سه ملیون لیرا امسال فاضل آمده

§ دولت آلمان از مالک شرقی انگلستان گندم میخورد

§ تلگرافی از ( حوهاسبرگ ) رسیده که ( جنرال بوئا ) در ضمن نطق خود اظهار داشته که حکومت نجران کم مایه را از دست تعدی و جور نجران هندوستانی نجات میدهد

§ تلگرافی از ( کاسابلنکا ) رسیده که ( مولی حفیظ ) کوچ کرده ، بکجا می رود معلوم نیست ، قشون فرانسه ندارد دفاع او را میکنند ، فرانسه ها بر ( طرابوط نادلات ) که با جبهی کنیز در اردوی فرانسه آمده

۱۶۹۹) فقر بمرض و با مبتلا و از ابن جله (۲۹۹۰) هلاک شده اند

§ اداره تجارتی (گولدا سمت کبانی) در دفتر امام بادکار (لارد کلابو) یکصد لیرا داده است

§ پادشاه سیام برجهاز (مرمه) وارد بندر سعید و از آنجا بر جهاز (شبین) رهسپار می شود

§ تلگرافی از (سیول) پای تخت امپراطوری مرحوم کوریا رسیده که ولیمهد ژاپون معاودت به ژاپون نموده و ولیمهد (کوریا) عرض مشایعت وی تا (شمپو) همراهی کرد

§ شخص صاحب ثروت امریکائی (ویلنگ) که صاحب تصنیفات است با زوجه و خواهرش و چهار نفر از اهالی (فنلند) بجرمی که تاکنون معلوم نشده گرفتار و منازل و اماکن آنها را تجسس نموده چندین کتب و مسودات و رسائل را ضبط کرده اند

§ (سرجارلس ترز) وداع زندگانی نمود

§ (مستر ونستن چرجل) وارد (عدن) شد

§ (مستر لیمبر) ناظر عماجات (کنیدا) در ژاپون می رود که حقوق مزدوران را معین کند، و ضمناً قبل از ورود به ژاپون لندن هم خواهد رفت تا بدو با اداره خارجه درباره آمد و شد مزدوران آسیائی در کنیدا گفتگو نماید

§ تلگرافی از (کاسابلانکا) رسیده که امراب بر دو دسته از قراولان فرانسه روز شنبه شلیک نموده یک نفر (کپتان) و یک تفنگدار را مقتول و ۶ نفر سرباز را مجروح کرده (جنرال درود) دو دسته قشون را بکمک فرستاد دشمنان فرار نموده بودند

§ (سمرقند) زلزله شدیدی محسوس، از ساعت هشت و ۴۷ دقیقه الی ساعت ده و ۳۰ دقیقه زمینی در حرکت، عمارات شکافته، مناره یک مسجد و گنبد مسجد دیگر منهدم شد

§ پادشاه (اسپانیا) باتفاق یکی از ندهاء خود سوار کالسکه برقی برای ملاحظه طغیان آب میرفت از روی پل که تازه ساخته شده عبور میکردند که پل مذکور شکسته کالسکه بدریا افتاد و پادشاه یک دو لحظه زده با زحمت زیاد خود را بکنسار رسانیده نجات داد و ابداً ضرری بابشان نرسید

انظار همراهی و یاری کرده بودند، بدگان اند (جنرال درود) راپورت میکند که قشون سلطان (مراکو) بیست (چاونیا) قرب (کاسابلانکا) پیشقدمی نموده تا با (مولی حفیظ) مقابله نماید

§ از این و بعد حکومت اعلائی (اوگنده) را لقب (گورتری) داده خواهد شد

§ وقایع نگار (طمس) از (پیکن) می نویسد، که دولت چین ضوابط و قوانین معادن را حسب ملشاه عهدنامه (میکی) قرار داده، و مسوده آن را بسایر دول اروپا نیز تقدیم نموده است، از روی این قانون ظاهر است که از صرافات ممالک خارجه استقراض نخواهد شد

§ امپراطور آستریا دیشب را با کمال بیقراری بسر برده، از شدت سرفه زیاد متأذی شده، علی الصبح حالشان بسیار بد بود، ولی سقوط اشها ندارد! این حال طرف ظهیر باز بعضی امور دولتی را وادری نمودند

§ در شمال (ایتالی) بسبب طغیان آب ضرر زیاد وارد آمده، عمارات واقع چهار جانب چشمه (میکی ور) منهدم و در برخی مقامات (۱۲) فیت سه زرع آب روپهم متراکم است ساکلین آن جا بر پشت بامهای منازلشان فعلاً سکونت نموده اند

§ روز اولیکه خباهره تلگراف بی سیم در بحر (اتلانتیک) شروع شد، همانروز (۱۴۰۰۰) گله خباهر شد (ارل گری) و اعابحضرت پادشاه انگلستان با حمدیگر ذریعه تلگراف بی سیم خباهر نمودند

§ در سمت جنوب فرانسه باردیگر سیلاب شدیدی آمده خاصه در وادی (رومون) ضرر زیاد باهالی رسانیده

§ کشیش بزرگ (باب) بانمانده دوات متبوعه خود در سرانندیب ملاقات نمود

§ خبریکه (ایویسی) بمانده مالیه روس عرضش از رفتن در پاریس استقراض بوده در پترزبرگ تکذیب شده چه امسال دولت روس استقراض از خارجه را لزوم ندارد

§ نمایندگان (مولی حفیظ) را در اداره خارجه و دربار امپراطوری آذر اذن دخول ندادند

§ بین (۱۶) جولائی و (۱۵) اکتوبر در روسیه

بنده را چنان نیست و منجمد کرده که علم و بجه هم رغبت و یارای جنبش نداشته ، و هرچه بدبختانه گفته شود اطمینان ما قان و نتیجه برآست، ولی از بس جگرم درین مقدمه سوخته و مکرر مصمم عرض حال و درد دل نوعی در این باب بمحض علی بوده باز بنا بهمان یأس زبان را بسته و بنان را شکسته انگاشتم ، حالا گفتم علی اقا اگر هم بخرج کسی نرود و یا در خانه کسی بیدار و هشیار نباشد که گوش برص کسی بدهند در محضر آن حق گوی حق خواه از نذکر ناله خود خواמוש نمائید و این گناه عظیم ملی را که همه امروز بگردن داریم که خواמושیم از گفتن و مدهوشیم ز خواستن بفعل دمن بنده هم ساعت کافر شده دست از جان می شویم و هرچه در دل میگویم .

اولا جبارت باحضرت در محضر شخصیت کرده شکایت میکنم که اگر برعموم مشتبیه و بخصوص معلوم و چشمشان را برده اشتباه عادت و غمات هزار ساله گرفته توضیح و افشاحات این ماده بهیچکس بهتر از جبل المتین روشن نیست ، که خون خود را سالهاست سیقل مدادی داده داد بیدار باش ناخت و تاز سارق خانگی را که رفیق قافله غایب است به تحریر و تسطیر میدهد، در این صورت دریغ است آفتاب بگل بیوشیم یا سخن باشارات بگویم ، پس مستدعم قدرت و عظمت کلام صدق و حق را اندکی تعمق فرموده ، تکرار مقله را همه روزه در جریده خود توضیحاً فرمائید و فرمائید در عرض (تأسف غفلت اولیای امور) (فریاد از تعدد اولیای امور) ملی قاعده طبیعی است در هر امری از امور عالم مدبران از کارگران ابتدا رفع عال و طامع را واجب میشمارند بعد اقدام بعمل میکنند

در مملکتی که مثل خواب دیده میشود یکی از طبقه وزرا آنها از سلسله جلیله قاجار و سلطنت یکدفعه محسوساً ترک عادت هزار ساله کرده و در محکمه مساوات و حقوق نوعی ملی قدمی علم کرده از مال و جان حاضر اصلاح عال قانی و خرابیهای بطنی محاکمت میشود، چه کسی که اول مستبد دوره استبداد بوده و امروز بگورم ذاتی و جوهر هشیار باقتضای وقت معلم مدرسه ، مشروطه طلبی یعنی حراست حقوق

§ غنبر (روز) از (توکیو) خبر میدهد که کشتی موشک شکن جدید (کوراما) که دارای (۱۴۶۲۰) وزن میباشد در بندرگاه (یوهکوهاما) رو بروی امپراطور و امپراطریس ژاپون بآب انداختند کشتی مذکور خیلی سریع السیر و از سوکتش معلوم است که بهترین کشتی های نظیر خودش میباشد

§ (مسترلیمبو) ناظر عملجات (کنیدا) خط سیر مسافرت خود را تبدیل داده از (کنیدا) یکسر بسمت ژاپون رهسپار خواهد شد

§ عملجات راه آهن (ایتالیا) که دست از خدمات خود کشیده بودند رجوع بکارهای خود نموده ولی خیالات عامه برخلاف ایشان است

§ تلگرافی از (کاسابلنکا) رسیده که روزشنبه جنگ سختی واقع شده ، دسته از قشون فرانسه که تعاقب کرده بودند ۶۰ نفر (مراکون) را و داخل جنگها کین کرده بودند ، با بیچار قشون (مولی حفیظ) مقابل شده جنرل (درود) هم مامداد رسیده و از جهازات جنگی هم شلیک توپ شده ، خونریزی و اتلاف نفوس بسیار شده

(برهتری کبل نرمن) رئیس الوزرای انگلستان در مقام (دمفران) اظهار داشته که پیشرفت امور خارجه انگلستان که در این ایام توسط (سر ادورد گری) وزیر خارجه حالبه انگلستان شده در هیچ ازمه سابقه نموده بود، حکومت باکمال جد و جهد در برقراری صلح و مسالمت سعی است و از عناد و عداوت دامن کشیده ، از ۱۵ سال قبل فرقه صلح خواهان (وزرای حالبه نیز از آن طبقه میباشد) را آرزو بوده که عهدنامه بین دولتین انگلیس و روس قائم دارند

## لایحه یکی از مجبان وطن

تاریخ ۱۴ شهر رجب

فریاد از تعدد اولیای امور

امروز صبح ۸۶ یومیه جبل المتین را زیارت کرده بمقاله جگر سوز (تأسف غفلت اولیای امور) رسیده بی اختیار اشک اعتبار از دیده ام برخسار زرد دوید با اینکه فشار یاس خون امید تمام قوای شخصی و نوعی

توی میشود آیا دلتان می خواهد ره زنان بگذارند  
در شب تاریک راه جنین باریک قافله در خواب  
عباد خانگی دزدهایی خارجی کین کرده بگذارند  
ربالتوح حقوق پروری یا غیرقند بیدار عبدالحمین  
میرزا با مشعل بر افروخته فضای مظلم را ملور کرده  
خواب رفتگان را بیدار کند ؟ حاشا وکلا دریغ از  
باور، افسوس از عبارت روح پرور عالم آرای قلم  
حبلالتین ، که جان برده میدهد در این ماده زحمت  
کشیده بمحکم از قضا سرکانگین صفرا فزود شده  
یا حقیقت فرمایش شیخ بهائی علیه الرحمه شاهد مقام شده  
( نامهای تو جو قرآن مدل )

( هادی بعضی و بعضی را مصل )

که با آلف حشمت ادب و مناسبت کلام و حسن  
بیان اشیا فرموده اند

خوب آن معلم تدبیر خانه طرابکن که می خواهد  
کار خود را در تمامی يك مملکت و ملت بيك حکمت  
مقدر غیر معلوم با تمام برساند در صورتیکه سی کرور  
نقوس را از اعمال و افعال خود بجاوشی و صلای قلم  
و زبان حبلالتین پیچان آورده چه بکند و از کجا  
شروع بعمل نماید ، مدبری میخواهد که در عین معرکه  
چشم بندی عمومی دیگری بکار نبرد چگونه که خود  
شخص جمع حقوق خواهی شود، بلی تبارک الله از خالق  
و صانع تدبیر و استمداد مدارک، پس آنچه تا امروز  
در سطحه طاهره شطرنجی حریف بر عالم ظاهر شده  
این است که بر هر صاحب جودت و ذکاوت اندک  
روشن است وقتی سی کرور نقوس حق الله اطفال  
طیفت از ظلم بيك شخص واحد و بسق غیرت بيك وزیر  
متذکر و متالم باشد، آن شخص که هنوز بازی چندین  
ساله خود را تا تمام میداند و سالها رفته در مدارس  
پولتیک روس و فرنگ تکمیل تعلیمات نموده دست از  
زحمت سی ساله نکشیده میدان باری را بطور دیگر  
شته و رفته از نقشه چندین ساله خود دیده تپه  
مقتضیات نیرنگ خود را میناید، و در دو ماه شاهد  
منصود را نشکاشک در بطل میگیرد ؟ خوب هم که  
رمنزند ، اصل مطاب و سحر کاری چگونه بوده ؟  
تسیح بدست بگیرد ، بنده نوعی بيك بيك بشارم ،  
جناب عالی انصافی بيك بيك بشارید، چنین شروع کرد آنکه

خواست بازی سی ساله را ختم کند  
آدم با درایت صوری دارای مقام مبلع ریاست  
چندین ساله خلك بسر ابراش معروف بکسوت کیاست  
شاهد ، و مثل سیاحت عالم متمدنه در همین با جناب  
میرزا ملکم خان در فرنگ مقدمتاً صفحه قلب میگذرود  
آن حکیم هشتاد ساله وطن خواهر را چنان بسحر بیان  
مشبه و فریب میدهد که هنوز خبر آمدن حریف  
بهرکه در میان نبوده آلف حکیم زود باور تا محبت  
شریفة که در مذاق ابرایان در حکم لواج مقدسه  
شمرده میشود میفرستند، آنهم بکجا ! و کی ! میرزا  
جواد خان سعدالدوله که جان و مال خود را در اقدام  
باستقرار کله حقوق ملی و مساوات نوعی در کف  
جبروت خود گرفته و بدین شرافت در عقاید هموم  
مقبول العقیده و کله سی کرور نقوس مظلومه بی علم  
از خواب جسته میباشد

بنازم بر بچه و بازوی مدیر کل، میرزا ملکم خان  
نجاه سال است مثل خواب جلوه گر عقاید بيك ملت  
در مشروطه طایب تعریف میکند از کسی و مکرراً در  
رسایل خود نوید و امید احتمالی میدهد، بکه ، بسعدالدوله  
که چشم و دل مردم بيك ملت منتظر اقدامات رای  
اوست ! خوب سعدالدوله چه کند اگر قول وعقیده  
مثل ملکی را هم بمقام قبول و تصدیق نگیرد پس  
از که و از چه بشنود ؟ و تدبیر اصلاح امور جمهور  
را از که بخواند ؟ در موقتی که خبر آمدن وزیر  
خودمان بایران قافله منتشر گردیده هر فردی  
بمطالبه حقوق از دست رفته در مقام طمن و دق  
برآمده فریادها بلند شد که هنوز ما تازه فهمیده ایم ،  
که این شخص ما را با سارت ابدی بروسها سپرده ، چگونه  
چنین حکسی دوباره مصدر احتیبار نقوس مظلومه  
جاهلان میشود

سعدالدوله در مقابل شورش هموم کاغذ های با  
آب و تاب ملکی را برای مردم میخواهد ، و امید  
موقتی میدهد که بیاید شاید قلب ماهیت با مقتضیات  
وقت و حکومت قوه قافله شده باشد ، بدین تدبیر  
ابتدائی مثل سعدالدوله و کبلی در دارالشورای کبرای  
لفظی مصوب آمدن حریف میشود ، سایر هوشمندان  
یا وکلای غیور هم همین اعتماد سکوت میکنند

(فنا گفت گیر و قدر گفت ده)

(فک گفت احسن ملک گفت زه)

آمدیم که آمدیم بجهت قضا سایر مواع را هم دفع کرد  
تدبیر دوم بعد از ورود سیدالهدیه را بر ملاقات  
خود جلب کرد، با اینکه او بیمارخانه درد یا بستری بود  
چنان بحسن طاب و تشاکی او را دعوت بر صحبت نمود  
که آنهایکه داخل بر حساب بودند ظن غالب داشتند  
جوهر مشروطه طای و هیکل شرعالت همین خواهد  
بود آه ~~که~~ بهمان قوه زمان تاریه طوری موافقت  
خود را در مقتضیات دوره مشروطه و ترک عادات و  
رفتار سابقه با آن پیر امیدوار ظاهر داشت که گفت  
توشتنهای مالکی بی اثر نماند، بای تقدیر و حبله زبان  
او را بدار الشورا و هموم دادن امید و نوید گویا، و  
خود نیز بلباس دوستی آراسته داخل دارالشورا شد  
هرچه بنویسم چیزی نخواهد بود که بر بالغ نابالی  
پوشیده باشد، مگر این نکته را یادآوری کنم ~~که~~  
دانشمند وطن پرست حضرت ملکم با آهسته امیدها  
که داده بود، یک نکته را در آخر مکتوب خود  
تصریح نمیه قرار داده بود، که اگر . . . . . ملک  
وزارت‌های سابق خود را فراموش نکرده در این ایران  
تازه به عادت کهنه رفتار کند ازحالا دولت و ملت و  
مملکت ایران را باید وداع گفت، پس موقع وداع  
ایران رسید، بدون اینکه در کوچهای امید و خهای  
احتمال معطل شویم، ایران را بهمت مولانا وداع  
کردند آنها که از دقایق امور آگاهند

تدبیر سیم با هوشمند و غیرتمندان از وکلای عظام  
دارالشورا مقدماً معاهد و مفاوضها نموده با آن  
معنی مردی و شرف قواهای خالی از معنی سپرد،  
البته چندین کرور مردمان رشید بی علم هم یا یک نفر  
علم وفق بنای بازی نزد یا شطرنج بشود حاجت نیست  
بگوش برد با کبست، و نظر های دقت حریف درمیان  
تمام حرفا معطوف بکسی خواهد بود که عالم بیازی باشد  
کم کمک دانست که عقاید و اثرات خیالات خبیثه  
بر مدققین پوشیده نخواهد ماند، رفت بی دفع عال،  
تاجا کلیم که بیک تیر چند نشانه زد، بعد از آنکه  
این هیکل مجدداً بتقدیرات علم سوز پذیرفته شد، برای  
تعیین شغل در ظاهر امور و در باطن آنچه را خود

منظور داشت سلطان علیخان را ورفهای آبی وسفید  
در دارالشورا طیرانی کرده از وزارت داخله منزل و  
میرزا علی اصغرخان را نصب نمود، بدون اینکه احدی  
از مبعوثین مجلس یا افراد مات جز یکتفر سیدالهدیه  
ملفت بوده، یا بگویند که ای آنهایکه دلتان را در  
مقابل فنا و خسارات مالی و جانی بی حساب بکسای  
ملت بداشتن مجلس پارلمنت یا سلطنت مشروطه خوش  
کرده اید، آخر از شرایط مشروطه است که اگر یکی  
از وزرای هشتگانه مسئول بخواهد تقیر کند که هیئت  
تمام وزرا باید تبدیل داده شود، مولانا بر طابع و  
استعداد عامی خود آگاه بوده، میداست که دیاری  
بیدار نیست که از این شرط ایراد شود، در عوض  
رعایت نکردن این شرط شرط دیگر قانون مشروطه  
مقدور را با نهایت دقت رعایت کرد، که ریاست هیئت  
وزرا با خودش بوده، واسطه سلطنت ووزرا خودش  
و مسئول هم خودش خواهد بود، اینجا دیگر کار تمام  
است، فکر این کار را هم کرده بود که اگر کسی از  
وکلای مجلس درباب منزل یکی از هشت وزیر با عدم  
تغییر هیئت سایر وزرا ایرادی کند از دو طریق دهان  
خیال کننده این ایراد را دوخته بود، یکی اینکه شخصا  
رئیس هیئت وزرا و ابقای سایرین را برای تجدید  
هیئت تصویب داشت، یعنی عجله در صورت ظاهر غیر  
از مقام وزارت داخله برای عوام فریبی سایر جاها  
را لازم نداشت!

دیگر اینکه بدبختانه از کثرت عادت و شدت و عامی  
هنوز اهت و رعب کله (رئیس) از عقاید و فهم این  
مات که سهل است از دل دانشمندان و برگردگار هم  
بیرون زرقه، همینکه گفتند فلان رئیس مجلس است عقاید  
باطله جنس استنباط میکند، که رئیس هر چه نخواهد  
میکند، تمام اختیار با اراده اوست، مثل اینکه از اکثر  
وکلا و سایر مردم هزار دفعه شنیده ام که گفته اند  
«شاه ایران امر از رئیس مجلس است» هر آن اراده  
ما باشد را که اعلیحضرت محمد علی شاه مینمود حالا  
رئیس مجلس میکند، هیچ ایرادی بر احدی نیست،  
زیرا یا از طبقه معوان یا عامیان، در کمال مدرسه  
خوانند یا با کدام گوش شنیدند که پارلمنت یعنی چه؟  
مشروطه یعنی چه؟ رئیس مجلس یعنی چه! کارش یعنی

شدت بدبختی يك ملت بيجاره اگر يك نفر عالم برحقوق  
ملی در پارلمنت ايران بود رفع و دفع شد

شدت فشار آذربایجانها و سرحد گیلان  
احتمالات پاره اصلاحات مجبوری در اصول مشروطه و  
و متفق بودن دولت و ملت و رفع مواج عالم سوز  
میداده با همت مردانه وطن داری چشم بهم گذاشته  
بوسیله يك نژاد پست نهاد میرزا رضاخان ارفع الدوله  
با آن ملاقاتها و مکاتبات از سرای عالی بطهران  
که تا یکدوچه بی برده شده پیش آمدن عساکر عثمانی  
در سرحد آذربایجان که اهالی تبریز را مشغول به  
بیجاری و غوغای خارجی بجايد، بی غیرت و همت و  
مردیست که برای انجام مقصود یا اجرائی حیالات  
شخصی يك قسمت از مملکت را دادن و خون ازون  
و مرد و اطفال سرحدی را بی گناه ریختن و در این  
میان که تبریزها را بدان مصیبت مشغول و مبتلا نموده  
نشان دیگری زدن که ذیلا متذکر خواهد شد

سرحد گیلان را هم از داخله با رئیس طوالتش  
بهم انداختن و چه تقویتهای سری از سردار . . .  
و . . . السلطنه نمودن و خون چه بیجاریگان بهر  
دادن از خارجه بولی نعمت امپراطوری خود بشارت  
انجام خدمات دادن در مدت کم و نرم نرمك نمودن  
پاره اساس جنگی و پیش آوردن علامت دواقی در  
سرحد بدون قانون و بازدید قواء سرحدی اتزلی علناً  
( من گنگ خواب دیده ام عالم تمام گر )

( من حاجزم زگفتن و خلاق از شنیدش )  
باین وسیله هم که سمت گیلانات مشغول حدود  
شده اند و دبری نگذرد آثار بزرگ از تدابیر وزیرانه  
ظاهر خواهد شد ، از سمت جنوب مملکت هرچه در  
اقواء قلمهای جراید شنیده ام که دیگران هم شنیده اند  
خود اطلاعات تحقیقی ندارم ، که شراره این آتش از  
آن سمت تا چند درجه بالا رفته ، عجاظه از سه جبهه  
بازی شطرنجی و تدبیرات غیرنعمدی خوب پیش رفته ،  
مجلس را که یارتی خود کردم ما یکی از هزار تدبیرات  
که ذکر شد ، هیجان آذربایجان را هم که توسط سفیر  
بی نظیر خود و دولت عثمانی بخود مشغول نمودیم ،  
سمت گیلانات و سرحد شمالی را هم که بوسیله ولی  
نعمت امپراطوری کارش معلوم است بکجا منجر میشود

چه رئیس در حکم مقوائی است که برای ترتیب نظام  
همان اطاق و اعضاء است ، حق حق داخل شدن در  
آراء ندارد ، هنوز صد سال مدت لازم دارد ، فلان  
ادنی رعیت ایرانی بفرمده که رئیس پارلمنت را او در  
آن مسند نشانده ، نه رئیس با لذات از آسمان آمده و  
صاحب مقام لولاك لما خلقت الافلاك است

( گوسفند از برای چوپان نیست )

( بلکه چوپان برای خدمت اوست )

ولی اینها در ماده رئیس مجلس مقننه پارلمنتهای  
دول مشروطه است نه مجلس پارلمنت حالیه ، پس آنچه  
را عموم دانسته اند خوب دانسته اند تمام هم منظرند  
مواج و مرسوم هم که باید برای وکلا معین و برقرار  
بشود ، باید دل رئیس را در دست داشته باشند که  
مبادا او بکوتومان را هشت قران منظور دارد ، آه از  
بی عامی که سالها در غفلت اسیری اراده و طواغیتهای  
جعی فلان وزیر و فلان و فلان بودیم! حالا باید سالها  
اسیر موهومات عادات سابقه فلان و فلان باشیم ، این  
مقدمات برای این است که چون مردم به بی اطلاعی  
از حدود و مقام ریاست مجلس مبتلا هستند حریف  
قابل ریاست مجلس را یارتی خود قرار داده بواسطه  
رئیس و برادرش دست بتارهای نازك نهاد ظریف زد ،  
همه وکلا هم که مقام ریاست را واجب الطاعه بمختصر  
ایا شناخته اند ، دیگر مدعی و متعرض کیست ؟ کار  
تمام است ، عمده تغییر امروزه مملکت همان مجلس است ،  
مجلس هم که عبارت از اراده رئیس و اتباع اوست ، او  
هم که ( کر ) خودمان است ! دست بکار باید زد

یکی دوعلت و مانع دیگر در جلو است ، به تدبیر  
حاصل باید رفع کرد ! آن کدام است ؟

برداشتن شخص سعدالدوله از مجلس دارالشورا  
طاهرأ با او نهایت دوستی و هم رای نمودن ، باطناً  
بتوسط ریاست مجلس و وزارت علوم هزارنوع مقدمات  
چیدن و اسمش را بولتیک گذاشتن ، که بر هر طفلی که  
خردلی از هوش بهره ور بوده این نیرنگات جاهلان  
پوشیده برده ، کاتین تخم اختلاف بین وکلای آذربایجان  
و آن جناب برای اسداد هیجان عمومی آذربایجانها  
در معالیه وکالت و عدم قبول استعفای او و هزارنوع  
دسایس مختلفه که در این ماده بکار رفت که بالجمله از

يك جنبه ديگر هم مطمح وقت نظر فرموده بود كه جهات اربيه تسخير شود، كه مقاله (تاسف از غفلت اوليای امور) اين جنبه را هم بهمت مردانه فاتح آمد پي در داخله مركز و قاعده سلطنت از مجلس ملي و دربار دولتي و هينت وزرا هيج جا و هيچكس نماند كه با اراده آنحضرت موافقت نداشته، وكار بگرام او نمكرد، مگر نقطه مقابل اين خيالات خائمه حالت بچاره ايران و ايرانيان كه قضا و قدر جاري بوده است، بدین بجه و بازو سنگ آخريش به نرازوي فروش نهاده شود و آن وجود وزير عدليه بود كه گویا كارگران قضا و قدر حاكم بدین در خواب بودند، يا بخت خفته ايران خبازه خفيف بيداری ميکشيد، كه اين وجود بمقام عدالت بر انگيخته شد، با پيشانی باز و ضمير يك عزم ثابت و نيت خالص مال و جان خود را بر كف همت گرفته با مقتضيات وقت و موافقت با استعداد فهم عاليه عامه در صدد وضع قانون عدالت و اصلاح نواقص مملكت برآمد، اولين اعجازی كه در حقيقت وطن پرستی و ملت دوستی خود نشان داد، كه خارق عادت شمرده شود ترك عادات بجاه ساله عمر مستبد خود بود، اگر بيشتر از اين بخوام از افكار و كردار اين مرد اظهار دارم حمل بر تعلق گوئی و اهراق نویسی خواهد شد

هر كه اهل انصاف و سروت با لذات نه بالمرض است دیده و شنیده حاجت به تذكر نیست، كه در اين مدت مسئوليت اسمی وزرای هشت گانه کدام يك از عهده تكليف خود جون او بر آمد، با همه مشكل تراشها و عيب جويشهای مفرضانه بيوقع كه از داخله دارالشورا معاماً می شد، و در هر قدمی كه بوظايف تكليف وزارت عدليه خود، بمخواست حرکت كند هزارهوائق محرکه بجلو می آمد، هيچيك را دليل بر بدبختی حال حالیه ملت نمی گيرم فقط در خانه اگر كس است و صاحب انصاف است همین يك دليل بس كه با همه احتياج بوجود چنین شخص كاركن با همت در قاعده سلطنت و دایره عدالت كه شالوده مشروطه

خواهی عالم منتهی بداشتن اداره عدليه معنوی نه لدلی است اورا بأموريت تيريزيت و مقام عدالت را بيم و بی رئيس گذارند

پي وجود او برای اجرائی خيالات وزارت داخله سد بزرگی بود و البته ميدانست کسی نخواهد گفت كه اولاً اگر فتنه پيش آمدن عسکر عثمانی دولتی است و بدون دستور العمل داخلی سفير ايران چرا هر روز در دربار دولت عثمانی مشغول سرخ آب و سفيد آب كردن و توجهی به شرايط معينه بين الدول كه باطفال توی گمواره هم معلوم است نميمايد؟ در اين صورت هم عمل اگر اهميت دارد چرا وزير جنگی را كه تزدك است از خون حيره و مواجب چندین ساله قشون مظلوم و بدبخت ايران ريگهای باغش هم منزش بشود بجلو گيری نمی فرستند، علم و عمل نظامی و اشكر گيری او كه شهره عالم است، وزير عدليه كجا و ميدان جنگ كجا، ای خاك بر فرق فهم و يونيكي كه اينها را منحصر بفهم و مدرك خود بدانند و اگر جنگ دولتي و رسمي نیست شرارت اشراش سرحدی و طوايف است كه باين درجه اهميت ندارد، تغيير وزارت عدليه دادگ و هزار نوع خسارت ملتی و دولتی فراهم آوردن كه سالها از فایده نبود برای روز جنگ سردار و امير نظام تهیه کرده رستم ايلمش ناميده ابد، چرا آنها را برای سرحد گيری نمی فرستيد؟

بخاق وجدان اشتباه کرده اند كه غير از خودشان کسی آگاه و عالم بر اين نقشه و علم نیست، آنچه درزير اين نیم كاسه ميباشد اين است :-

اولاً ترتيب حالیه عدليه را كه مخالف خيالات و بولنيكي شخصی است بهم بزنند تا نيا عبدالحمين ميرزا را از اين مقام خلع تا جلو مقصود و مقصد مات خواهان او گرفته شود

ثانياً اورا با ذربالبحان فرستاده باختلافات داخلی و زور آوردن فتنه جويان قشون خارجي با دستور العمل سفيري اقدام و اگر تقدير باندبيرش موافقت كند وجودش را از عالم محروم نابود نمايد، گویا بس است برای اثبات

تلفغات

( ۲۳ رمضان - ۳۱ اکتوبر )

§ بسبب روان نمودن حیوانات از هند به امریکا و روسیه قیمت غله جات در هند ترقی کرده و قریب بحد سالی سنه (۱۸۹۱) رسیده

§ روزنامه (نوبورینا) درباره نقشه ( مسیولیر ) وزیر داخله روس به نسبت کشیدن خط آهنی که هفت روز و نیم مسافر را از لندن الی کراچی رساند رأی خود را ظاهر می سازد ، که چنین خط راه آهن فواید نامی در معاملات بولتیکی و تجارتی دولتین انگلیس و روس خواهد بخشید در حالیکه معلوم است اگر راه آهن آلمانی تا بغداد تکمیل یابد مورت اتلاف افراض دولت انگلیس تواند شد

( ۲۴ رمضان - اول نومبر )

§ بسیاری از منشیان اداره جات رسمی که در ( بنزبرگ ) گرفتار شده مقرر اند بر اینکه آنها سازش نموده بودند هیئت شورای لشکری را که وزیر لشکر هم شامل و شریک مجلس هفتگی بوده باشد با نارنجک هلاک سازند

§ ( مسیولیر ) به بنزبرگ مراجعت نمود

§ تلفگرافی از ( مابورر ) رسیده که بسبب خرابی فصل ، تجارت گندمیکه بجهت انگلستان فرستاده اراده دارند پس بطلبند

( ۲۵ رمضان - ۲ نومبر )

§ تاکنون در (ترسوال ۴۰۰ نفر باشندگان آسیا نامهای خود را در دفتر حکومت سفارشی نموده اند

§ بر جهاز ( پوستاییه ) مقدار ( دومایون ) طلا جهت ( نیویارک امریکا ) امروز فرستاده شد

§ بسبب قحطی پول در ( امریکا ) اهالی زیاد مضطرب هستند ، روز بروز بر عده بیکاران می افزاید تخمیناً ( ۶۰۰۰۰ ) نفوس بیکار اند

§ روزنامه ( طمس ) می نویسد که دسته از فوج نیرزه دار که روانه شده قابل جنگ نیستند ، شهریه سه نفر ( میجر ) و دو ( کپتان ) نصف داده شده است

امر دلیل معروضه محقه خود که گفتن فرمائید ( تأسف از غفلت اولیای امور ) بلکه فرمائید ( فریاد از تعدد اولیای امور ) بلی این است معنی تدبیر ، این است معنی شرف و اصالت ذاتی که برای اجرای خطرات شخصی یا یک حرف شخصی از دوست یک مملکت فرسخها به تصرف خارجه داده شود یا نفوس عرصه تیغ بی دریغ هوا برستی بجای ساله آید

( گر این تیر از ترکش رستنی است )

( نه بر مرده بر زنده باید گریست )

هرگز احدی از جراند مقدسه زحمت حق علی خیرالمعمل نکشند ، و قلم مقدس را رنج فرمائید ، که محال است رجال عادل و علمی تا مقتضیات تدبیرات حالیه در دستگاه دولت یا بگیرد یا مصدر شغل بشود ، و در عوض این ناامیدی بیک امیدواری دائمی میتوانم گفت که عزمی مثل عزم وزارت داخله ثابت و راسخ پیدا نخواهند کرد ، و همین یکی برای سلطنت مشروطه یا وزارت مسئول کافی است ، که اگر عالم برهم بخورد و تمام ایران زیر و رو بشود از عادات و رسوم بجای ساله عادی خود دست برداشته ، ابداً عتبار مقتضیات وقت نکرده ، حتی تا این درجه رعایت عادت و عزم میشود که کافی السابق ناسخ و منسوخ مثل برگ خزان ریخته و مهر مبارک در دست این و آن است ، عجیب که شنیدم بدرجه اوضاع سابق پیش آمده که از طهران برشت تلفگرافی صادر شده بیک از حکام ، که حاکم رشت در جواب از وزارت داخله بذات وزارت داخله شکایت کرده است ، از بی تکلیفی خود در مقابل صدور احکام ناسخ و منسوخ در جواب با قهاریت و قدرت تمام فرموده اند ، عجیب اینکه صریحاً بشا گفته شد در این باب هیچ حکمی نخواهید و این حکم را ناسخ احکام آینده بدانید هفت روز بعد از این تلفگراف همین درجه شدت و تندى بطرف دیگر حکم تلفگرافی داده که ضد مطلب تلفگراف اول بوده است ، این است وزارت داخله مسئول مامات بدبخت بی علم بی چیز لفاظ مظلوم دیوانه شوریده بخت ( خیرخواه )



§ الحبارت زلزله ( فراداغ ) غیر موثق و مشکوک می رسد ، تا کنون خبری که رسیده اینست که چند دفعه زمین حرکت کرده ، و بعد يك حصه از کوه شکافته ، متلاشی شده و اندازه اموات را از ( ۱۵۰۰ ) الی ( ۵۰۰۰ ) نفر نموده اند

§ در بغاوت ولادپوستک الی الان ( ۳۵۰ ) تن گرفتار شده که در آن ها سرباز و خلاصی و باشندگان شهریم شاملند ، ظاهر شد که از جندی قبل از وقوع واقعه باغبان به سربازان و خلاصیان تشویق و ترغیب می نمودند و قبل از شایک جهازات نجاری از بندرگاه خارج شده بودند ، خلاصیان کشتی موشک شکن ( سردستی ) هم شریک بغاوت بوده و کپتان و افسران خود را مجروح کرده کشتی موشک شکن دیگر مقابل با این سربازان باغی نموده است

( ۲۶ رمضان - ۳ نومبر )

§ ( سر - ای - گارست ) نماینده دولت انگلیس در مصر افسران انگلیسی را در منزل خود بحضور نموده محرمانه اغراض دولت متبوعه خود را بآنها اظهار داشته ، چنین گمان می رود که ظاهر نموده مقصود دولت انگلیس این نیست که زمام سلطنت را بدست خود بگیرد ، بلکه میخواهد مصر را آداب و طریقه ملکداری تعلیم نماید

§ ( مستر روزبوات ) رئیس جمهوری امریکا ار اهالی اصرار تمام خواش کرده که در باب قلت وجه غور کامل نمایند ، و کانگرس مخصوص در این خصوص از صلت منعقد دارند

§ از جزیره ( فلوریس ) خبر رسیده که هیئت عبارت از ( ۳۰۰ ) نفر مساح ( ۳۹ ) نفر از دستة فوج محافظ را بقتل رسانیدند

§ دولت روس جهت رفع گرانی غله و مشورت در آن باب انجمنی از هر قبیله و از هر فرقه اهالی ملتفت نموده ، وسی و اقدامات خواهد نمود ، که رطایب از قحطی نجات یابند

§ بموجب عهدنامه سنة ۱۸۵۵ دولتین برطانیسا و فرانسه ذمه دار محافظت دست درازی روس را بر مملکت ( اسکانڈینیویا ) شده بود ، در مقام ( کرشچانیا ) دیروز منسوخ شد و يك عهدنامه جدیدی بین دول ( ناروی ، برطانیسا - فرانسه ، آلمان و روس ) منعقد و منشاء این معاهده برقرار داشتن خود مختاری ( اسکانڈینیویا ) میباشد

§ در دارالعلوم ( آکسفورد ) ( لارڈ ژرن نطق تاریخی داده که متضمن بود بر معاملات سرحدی و اربخی و جغرافی ، و حالات و نفوذ و اقتدارها که اکنون دولتین روس و انگلیس بر مملکت ایران دارا هستند ، قیام و دوامش خیلی بحث نموده ، عاقبت گفت عندالضروره قائم داشتن اقتدار در آنجا مشکوک است ، و نیز اظهار داشته که اگر احتیاجات حکمیت کانفرانس ( هبگ ) مزید شود ، در آن صورت بر معاملات سرحدی هم ثالث خواهد گردید ، بعد از آن از افسران سرحدی تمجید زیاد نمود

( ۲۷ رمضان - ۴ نومبر )

§ در جزایر جزیره ( استرلیا و وکتوریا ) در آن رود باریده و امید در خرمن مزارع و بیشی حاصل می رود § تاریخ ۲۵ رمضان المبارک سلطان رسگار و سلطان عثمانی در مسجد حنبلیه - لایبول نماز مغرب خوانده و بعد ا همدیگر ملاقات نمودند

§ اهالی ( سوید ) کمالاً برخلاف اغراض عهدنامه ( ناروی ) رفتار می کنند اهل سوید را خیال این است که مواد این عهد نامه مضر بحال آنها است

§ در امریکات وجه در حقه شقی رسیده ، حتی اداره بلدیہ ملازمین و عملیات عوض وجه نقد حواله سنگ میدهد

§ در ( استرلیا ) خاصه در صوبه ( یوساوتنه ویس ) باران شدیدی آمده فقط در آنها غرن و شهاب شرقی باران کم آمده است